



CrossConnect
MINISTRIES

وعدۀ خداوند برکت یافتن ما

جکی اوسچ

پیدایش ۱۲-۲۵

درس ۱: وعدۀ خداوند - ابرام به خداوند ایمان داشت

درس ۲: پیمان خداوند - من خدای تو خواهم بود

درس ۳: ملاقات کنندگان - آیا امری برای خداوند بسیار دشوار است؟

درس ۴: واسطۀ کار - به خاطر ده

درس ۵: نابودی - فریاد شکایت بسیار عظیم است

درس ۶: قربانی - بره کجاست؟

«... کلام تو را در قلبم نگه داشته‌ام...» مزمور ۱۱۹: ۱۱

شروع کنیم

شما سفری را آغاز می‌کنید که بقیه زندگی شما را شکل خواهد داد. این سفر برای شما کاملاً تازه است و بی‌نظیر است و نقش مهمی را در اشتیاق و علاقه شما در رشد و درک کتابی به نام کتاب مقدس خواهد داشت. تعهد و کوشش شما در این درس، زندگی شما را پر بار می‌سازد زیرا خدا از طریق کلامش با شما گفتگو می‌کند.

جهت مطالعه این دوره آموزشی توصیه می‌شود لوازم زیر را تهیه فرمایید:

۱- این کتاب: وعده خدا، برکت ما

۲- کتاب مقدس فارسی تفسیری، یا مژده برای عصر حاضر و یا کتاب مقدس شریف.

در صورت لزوم کتاب مقدس انگلیسی (ESV (English Standard Version)

کتاب آیه یاب و چند نقشه جغرافیایی که معمولاً در پشت کتاب مقدس یافت می‌شود.

۳- مداد و یا خودکار.

۴- کارت برای یادداشت در اندازه‌های ۳×۵ و یا ۴×۶.

اگر برای نخستین بار با کتاب مقدس آشنا شده‌اید، بهتر است که با مطالعه کتاب «سیری در کتاب مقدس» شروع کنید. هرچند که این کتاب را توصیه می‌کنیم، اما به عنوان بخش لازم و ضروری مطالعه کتاب کنونی به نام «وعده خداوند، برکت ما» محسوب نمی‌شود.

به کار بردن مداد رنگی یا قلم جوهری رنگی (های لایت) را برای خط کشیدن زیر عبارات و یا کلمات توصیه نمی‌نماییم. می‌توانید دفتر و یا کارت‌های نت‌برداری برای ثبت افکار و نظریات خود استفاده نمایید تا شما را در این سیر و سفر در کتاب مقدس کمک نماید.

این درس‌ها به صورتی تهیه شده‌اند که اگر مایل باشید می‌توانید به تنهایی آنها را مطالعه کنید. با برنامه‌ای منظم و روشی مثبت قادر خواهید بود که این دروس را به آسانی بیاموزید. در عین حال که اطلاعات جدیدی به دست می‌آورید، با در میان گذاشتن عقاید خود، سوالات پیچیده‌ای را که نیاز به پاسخ دارند، مطرح نمایید. برای دریافت این پاسخ، شما را تشویق می‌کنیم که چند نفر از دوستان خود را برای شرکت در مطالعه این دروس دعوت نمایید.

امیدوارم که از مطالعه خود لذت ببرید و قلب شما آماده دریافت کلام خدا باشد. امیدوارم که داستان‌های کتاب مقدس قلب شما را نسبت به محبت عظیم خداوند که از طریق پسرش عیسی به ما عطا فرمود اطمینان بخشد.

درس اول

ابرام به خدا ایمان داشت

پیدایش ۱۲، ۱۵-۱۶ - وعده

بررسی درس ۱

۳	دوره: پیدایش ۱۲، ۱۵-۱۶
۴	مقدمه
	درس ۱: پیدایش ۱۲، ۱۶-۱۵
۵	• کاروان چادر نشینان
۷	• خواهم... خواهم... خواهم...
۹	• کلام اطمینان بخش خداوند
۱۱	• عادل شدن از طریق ایمان
۱۲	• هاجر و اسماعیل

مقدمه

داستان‌ها بخش مهمی از زندگی ما هستند. هر روز بخش‌های جدیدی به داستان زندگی ما اضافه می‌شود. اتفاقات رخ می‌دهد و همه ما سرگذشتی منحصر به فرد برای گفتن داریم. همیشه در مسیر رشد و نمو هستیم. افراد گوناگون و شرایط متفاوت مسیر زندگی ما را به شیوه‌ای یگانه می‌سازد که سرانجام ما را به صورت شخصیتی که داریم تکامل می‌دهد. با هر تجربه و رویارویی در روابط متقابل موقعیتی برای عکس‌العمل به دست می‌آوریم که بعضی از این عکس‌العمل‌ها به صورت انتخابی آگاهانه است و برخی دیگر، اگر رخ دهد، از روی احتیاط می‌باشد. در هر صورت، این گزینه‌ها داستان‌های فردی ما را به وجود می‌آورد.

«وعدۀ خدا، برکت یافتن ما» داستان زندگی ابرام است هنگامی که خدا او را ابراهیم نامید (پیدایش ۱۷: ۵). داستان‌های متعددی که زندگی او را شکل داد مطالعه خواهیم کرد. این حکایات رابطه نزدیک ابرام را با خدا آشکار می‌سازد و اینکه چگونه خداوند از ابرام استفاده نمود تا وعده‌ای که به آدم و حوا در باغ عدن داد، به انجام رساند (پیدایش ۳: ۱۵). در هر یک از این داستان‌ها، جنبه‌ای از شخصیت، طرز رفتار و عکس‌العمل او را در مداخلۀ خداوند در زندگی‌اش می‌آموزیم. حقایقی درباره رابطه خانوادگی او، فرزندان او و تاثیری که خداوند در خانواده او به جا گذاشت. داستان ابراهیم، بصیرتی درباره سرگذشت زندگی خود ما، به ما می‌دهد. سوالات مهم و کلیدی پرسیده می‌شود که مستلزم نوعی درون‌بینی از جانب ما است هنگامیکه کار خدا را در خود ما و در میان خودمان مشاهده می‌کنیم.

درضمن اینکه در این دروس پیش می‌رویم، سرگذشت زندگی ابراهیم را مورد توجه قرار دهید و از آنها لذت ببرید. سوال‌های خود را در دفترچه‌ای یادداشت نمایید. خواندن سرگذشت‌ها را چنان در نظر داشته باشید که گویی ابراهیم تجربه‌های مهم خود را برای شما بازگو می‌کند که چگونه این تجارب به او کمک کرد که به مردی با ایمان تبدیل شود. گوش کنید که خداوند خود را به او آشکار می‌کند و کلمات و عباراتی که محبت عظیم خدا را برای نوع بشر ابراز می‌کند پیدا کنید. به داستان ابراهیم گوش فرا دهید و به راه‌هایی که زندگی ابراهیم می‌تواند در زندگی شما تاثیر بگذارد توجه نمایید.

در «وعدۀ خدا، برکت ما» در نظر داشته باشید که «حقایق» داستان‌ها را بیاموزید. بخوانید و سوال کنید. در جستجوی حقایقی باشید که خدا درباره خود آشکار می‌کند هنگامیکه به شرایط گناه‌آلودی که از مخلوق خود می‌بیند چه پاسخی می‌دهد. و دقت کنید که داستان‌های کتاب مقدس چگونه به دل می‌نشیند و در ما تاثیر می‌گذارد. به ویژه هنگامیکه می‌پرسیم «که چی بشه؟» به عبارت دیگر، بنابراین، پس از تمام این صحبت‌ها، این داستان به من و زندگی من چه ارتباطی دارد؟ این سوال به کاربرد شخصی من برخورد می‌کند و زندگی مرا به خداوند متصل می‌کند همانطور که خدا در زندگی ابراهیم کار کرد.

وقت آنست که سیر و سیاحت را ادامه دهیم. از داستان‌ها لذت ببرید. از مطالعه خود لذت ببرید. کتاب مقدس خود را باز کنید و پیدایش باب ۱۱ را بخوانید. برای شروع اولین کلمات آیه ۲۷ را بنویسید.

بخش اول

مقدمه: کاروانی از چادر نشینان، سرزمین اور کلدانیان را به قصد اقامت در سرزمین کنعان ترک گفتند (پیدایش ۱۱: ۳۱). یکی از نقشه‌های کتاب مقدس را نگاه کنید و سرزمین اور را که در شمال غربی انتهای شمالی خلیج فارس است پیدا کنید. سرزمین کنعان به آسانی دیده نمی‌شود. قلمرو کنعان در غرب سرزمین اور قرار دارد. کنعان نوار باریکی است که در غرب صحرای عربستان قرار گرفته و تا ساحل شرقی دریای مدیترانه ادامه دارد. مرزها و حدود و حوالی کنعان را در درس آینده بررسی خواهیم کرد. استفاده و به کار بردن نقشه از اینرو اهمیت دارد که می‌توانید صحرای وسیع عربستان را که بین اور و کنعان است مشاهده کنید. مسیری که این چادر نشینان در پیش گرفتند، در شمال رود فرات بود. آنها در گروه‌های بسیار بزرگی که شامل بسیاری از حیوانات بود، مسافرت می‌کردند. تمام مسافران به آب نیاز داشتند. سفر کردن از شمال به سوی غرب، کوتاه‌ترین راه نبود اما بدون شک برای راحتی و سلامت خانواده، خدمتکاران و حیوانات ضروری بود.

تعلیم: این مردمان چه کسانی بودند؟ آیه‌های آخر پیدایش باب ۱۱ به ما می‌گوید که اینها چه کسانی بودند. از آیه ۲۷ شروع کنید: «اینها فرزندان تارح هستند.» آیات ۲۷ تا ۳۲ را بخوانید. حالا دوره‌ای بکنیم. تارح _____ ابرام بود. سارای _____ ابرام بود. و تنها چیزی که درباره ابرام و سارای می‌آموزیم این است که آنها هیچ _____ نداشتند. زیرا سارای _____ بود. این نکته بسیار مهمی است زیرا در فرهنگ و سنت آن زمان زن نازا مورد توجه و احترام نبود. زنی که عقیم بود سرزنش می‌شد، پایین و بی‌ارزش و زنان دیگر در جامعه کم اهمیت‌تر بود و اغلب برای شوهرش لعنتی محسوب می‌شد.

تارح در مقام رئیس قبیله یا خانواده، ابرام و سارای را با خود به همراه برد. به علاوه، نوه خود را به نام _____ نیز با خود برد. پدر لوط قبل از آنکه آنها اور کلدانیان را ترک کنند، درگذشت و لوط به عنوان عضوی از این قبیله با پدربزرگش همراه شد و همه به سوی کنعان رهسپار شدند. در هر حال، وقتی که این کاروان به حران رسید، آنها _____ در آنجا (پیدایش ۱۱: ۳۱). تارح تا سن _____ زندگی کرد و در _____ درگذشت. نمی‌دانیم که تا چه مدتی در حران زندگی کرد. اما می‌دانیم که انتخاب کرد که در آنجا مستقر شود و به کنعان نرود.

پیدایش باب ۱۲ جایی است که زندگی ابرام آغاز می‌شود. ابرام خادمین، گله و املاک خود را داشت و مردی ثروتمند بود. در این مرحله چندان اطلاعی از زندگی ابرام و سارای نداریم. اما این را می‌دانیم که خدا انتخاب کرد که در رابطه بسیار نزدیکی با ابرام قرار گیرد که مسیر تاریخ را برای همیشه تغییر دهد. وقتی که خداوند به زندگی کسی وارد می‌شود، همه چیز برای همیشه تغییر می‌کند.

تکلیف: پیدایش ۱۲ را بخوانید و به خصوص به آیات ۱ تا ۹ توجه کنید. هرچند که اسامی و اماکن زیادی ذکر شده است، اما بر سارای و ابرام تمرکز کنید. اگر مایلید اشخاص و یا مکان‌های گوناگون را در دفترچه خود برای مراجعه در آینده یادداشت کنید.

تمرین: در پیدایش ۱۲: ۳-۱ خداوند با ابرام صحبت کرد و دستوری به او داد. در اصل خدا گفت که اگر تو این کار را بکنی، در آن صورت من چنان کاری خواهم کرد. خداوند ابراهیم را فرا خواند و دعوت نمود تا او را برای بازخرید نوع بشر از شرایط گناه‌آلودش همکاری کند. (توجه: به خاطر داشته باشید که نبردی برای به دست آوردن دل مردم جریان دارد. این نبرد بین خدا و شیطان است، بین خوب و بد.) اکنون زمانی است که خدا برگزیده است که نقشه خود را، یعنی وعده‌ای را که در باغ عدن داده بود، انجام دهد (پیدایش ۳: ۱۵). این سرگذشت بسیار اهمیت دارد، زیرا خدا از طریق ابرام، اصل و نسب عیسی، قهرمان خدا و نجات‌دهنده ما را پایه‌گذاری می‌کند.

۱- در آیه ۱ ابرام باید چه کار می‌کرد؟ «کشورت، خویشاوندانت و خانه پدری‌ات را _____ و به _____ برو که من به تو نشان خواهم داد.

۲- حال، خود را جای ابرام بگذارید. او بایستی از هرآنچه که در زندگی برایش وجود داشت و آشنا بود جدا می‌شد و به مکانی که هنوز تعیین نشده بود، سفر می‌کرد. به نظر می‌رسد که خدا به او گفت: «برو، و بقیه _____ را _____ به دست من بسپر.» من احتمالاً چنین پاسخی می‌دادم: «خوب، باشه!» فکر کنید که احتمالاً پاسخ شما _____ این بود:

۳- اطلاعات بیشتری می‌خواهید؟ شاید شما از آن قبیل افرادی هستید که برای سفری نامعلوم آماده‌اند، یا شما از جمله افرادی هستید که احتیاج دارید دقیقاً راه و مکان و زمانی که به آنجا می‌رسید بدانید؟ بخشی از من آماده است که بگوید: «خوب، ابرام تو برو، آزمایش کن، و وقتی که مستقر شدی به من بگو بعد من می‌ایم.» قدری وقت صرف کنید و اگر خدا به شما گفت: «برو...» مواردی که احتمالاً به فکرتان می‌رسد که باید بررسی کنید، بنویسید.

بخش ۲

تمرین: ابرام می‌بایست منزل خود را ترک می‌گفت و می‌رفت. بخش دوم، دربارهٔ وعدهٔ خدا به ابرام است. وعده‌ها همگی با «_____» شروع می‌شود. خداوند تمام وعده را انجام می‌دهد. خداوند دقیقاً چه وعده‌ای می‌دهد؟ آیهٔ ۲: «من _____ به تو _____ خواهم داد، و من تو را _____ خواهم کرد _____ و _____ . آیهٔ ۳: من خواهم _____، و _____ من خواهم _____؛ و به وسیلهٔ تو همه _____ روی زمین _____ خواهند بود.»

تعلیم:

۱- اولین وعده‌ای که خداوند به ابرام داد این بود که به وسیلهٔ او ملتی بزرگ خواهد ساخت. این وعدهٔ فرزندان است. اما خداوند نمی‌گوید که فقط ابراهیم صاحب فرزندان خواهد شد. در عوض می‌گوید «به وسیلهٔ تو یک _____ خواهم ساخت.» دوباره پیدایش ۱۱: ۳۰ را بخوانید. چه مشکلی سر راه وعدهٔ خدا وجود داشت؟ _____ .

۲- خداوند باز هم وعده می‌دهد که ابرام را _____ بزرگی می‌سازد. خدا وعده را به انجام رسانید؟ فرقه‌های مختلف مذهبی امروز را در نظر آورید. چندتای آنها از ابراهیم، جایی که تاریخ مذهب‌شان شروع می‌شود ریشه می‌گیرند؟ به طور مثال یهودیان، مسیحیان و مسلمانان را در نظر آورید. بله، خداوند نام ابرام را عظمت بخشید.

۳- سپس خداوند می‌گوید آنهایی را که ابراهیم را برکت دهند، برکت می‌دهد و آنهایی که ابرام را لعنت کنند لعنت خواهد کرد. در اصل خدا به ابراهیم می‌گوید که تو را برکت خواهم داد و برکتی که از جانب من دریافت می‌کنی به دیگران برکت خواهد داد. آیهٔ ۲ می‌گوید: «به تو خواهم _____ .» و «تو _____ خواهی بود.» برکتی را که خدا برای ابرام برگزید، از طریق ابرام به تمام مردم روی زمین خواهد رسید. خدا ابرام را فرا خواند و او را دعوت نمود تا خانواده و کشور و همهٔ دارایی و دوستان خود را ترک گوید و به جایی برود که خدا به او نشان خواهد داد. فراخوانی خداوند همچنین شامل وعدهٔ فرزند و دودمان و ثروت‌های بیشمار برای ابرام بود که او را قادر می‌ساخت نه تنها خودش برکت یابد، بلکه برکتی برای دیگران نیز به شمار آید. ابرام به دعوت خداوند و وعدهٔ او پاسخ داد. فقط لازم بود بداند که خدا او را فرا خوانده است.

تمرین:

- ۱- چه کسانی با ابرام رفتند (آیهٔ ۴)؟ _____
- ۲- ابرام چند سال داشت؟ _____
- ۳- فقط چه کسی و چه چیزی را ابرام با خود برد (آیهٔ ۵)؟ _____

۴- آنها به کجا رسیدند (آیه ۶)؟

بازتاب: هنگامی که خدا ابراهیم را فرا خواند، سارای عقیم بود و ابرام ۷۵ ساله. پس خدا وعده داد که از او ملتی بزرگ بسازد...

۱- فکر می کنید خدا منظورش چه بود؟

۲- فکر می کنید ابرام به چه فکر می کرد؟

۳- شما چه فکر می کنید؟ نیروی سازنده خود را به کار برید و خود را به جای ابرام بگذارید. آنچه که فکر می کنید بنویسید.

کاربرد:

۱- چقدر مشتاقم تا به آنچه غیرممکن و نامشخص است پاسخ گویم؟

۲- در نظر دارم که آیا زمانی بوده که احساس کردم خدا مرا «به حرکت» می آورد؟

۳- ابرام به خدا ایمان داشت و به شناختی که از خدا داشت عمل کرد. شما درباره خدا چه می دانید؟ چگونه به آنچه که درباره خدا می دانید پاسخ می دهید؟

دعا: اوه خدایا، ابرام با ترک گفتن همه چیز و همه کس به دعوت تو پاسخ داد. او با اراده به سرزمینی رفت که تو سرانجام به او نشان می دادی. او به کلام تو و وعده های تو ایمان داشت. چنان ایمانی به من عطا کن که به تو اعتقاد داشته و اطمینان نمایم و آنچه را که می گویی انجام دهم.»

بخش ۳

مقدمه: چادرنشینان ما تازه وارد سرزمین کنعان شده‌اند. هنگامی که رسیدند در کنعان از شمال به جنوب سفر کردند. کنعانی‌ها در سرزمین به سر می‌بردند (پیدایش ۱۲: ۶). از اینرو چنین در نظر بیاورید: ابرام دار و ندار خود را ترک گفت و با وعده خدا در مورد فرزند و سرزمین موعود راه افتاد. در تصویر کلی ابرام و قبیله‌اش ابرام و قبیله‌اش گروه بی‌تجربه‌ای بودند که اصلاً قادر نبودند با کنعانی‌ها و سایر قبایلی که در کنعان به سر می‌بردند مقابله نمایند و زمین را اشغال کنند. و، فراموش نکنید که ابراهیم با همسر نازای خود سفر کرده است. و با این حال خداوند به او می‌گوید: «این سرزمین را به فرزندان تو خواهیم داد (پیدایش ۱۲: ۷). ابرام بایستی خود خدا را باور کرده باشد زیرا در همین آیه می‌گوید: «او در آنجا _____ برای خدا ساخت» مکانی برای پرستش. او اعتراف کرد که کسی که وعده داده (خدا) همان کسی است که به وعده‌اش عمل می‌کند. ابرام طبق دستور کسی که وعده داده بود، که شخصا خدا بود عمل کرد و بر اساس آنچه که خدا گفت حرکت کرد و نه بر اساس آنچه که خودش (ابرام) می‌دانست. اینکه او ۷۵ سال داشت و زنش سارای عقیم بود و سرزمین کنعان به کنعانی‌ها، حیتی‌ها، یبوسی‌ها و اموریان و دیگران تعلق داشت.

تکلیف: در پیدایش باب‌های ۱۲ تا ۱۴ می‌بینیم که خدا در زندگی ابرام کار می‌کند. (توجه: این سه باب را (۱۳، ۱۲، ۱۴) بخوانید. مشاهده کنید که خدا ابرام را در این سرزمین مستقر می‌کند. اگر حالا این قسمت‌ها را نمی‌خوانید، با مداد رنگی این بخش را علامت بزنید که بعد به آن مراجعه کرده و این باب‌ها را بخوانید. دلسرد نشوید، با کوشش به پیش روید تا به تمرین بعدی برسید.)

۱- پیدایش ۱۲: ۱۰-۲۰ را بخوانید. ابرام و سارای به سوی مصر رهسپار شدند زیرا در سرزمینی که زندگی می‌کردند قحطی شدیدی رخ داد. می‌بینیم که ابرام احساس خطر می‌کرد و در هراس بود. در عین حال می‌بینیم که دست خدا چگونه در این زمین بیگانه از ابرام محافظت می‌نمود.

۲- پیدایش ۱۳ را بخوانید. در این قسمت سخاوت ابرام را مشاهده می‌کنیم و به شخصیت لوط برادرزاده ابرام پی می‌بریم. هر چند که به نظر می‌رسید لوط از بهترین‌های زندگی برخوردار بود، خداوند دوباره به سوی ابرام آمد و یک بار دیگر خداوند عهد خود را با ابرام تجدید کرد. به ویژه به آیات ۱۴ تا ۱۷ توجه نمایید.

۳- پیدایش ۱۴: ۸-۱۷ را بخوانید. بار دیگر با لوط روبرو می‌شویم. چهار پادشاه متحد شدند و با پنج پادشاه دیگر نبرد کرده آنها را شکست دادند. در این مسیر لوط به اسارت رفت. زمانی که ابرام از اسارت لوط باخبر شد، تصمیم گرفت به نجات او بشتابد. خداوند ابرام را قادر ساخت که کدرلا عمر پادشاه که لوط را به اسارت برده بود، شکست داده، لوط و خانواده‌اش را پس بگیرد. در نتیجه پادشاهان شکست خورده با ابرام پیمان بستند. قدرت و اقتدار ابرام در سرزمین ثابت شد.

تمرین:

۱- پس از پیروزی ابرام، دوباره خداوند به صورت بصیرتی نزد ابرام آمد. پیدایش ۱۵: ۱ را بخوانید. این بار چه چیزی برای اطمینان بخشیدن به ابرام به او گفت؟ وعده خداوند را بنویسید. _____

۲- ممکن است تصور کنیم که ابرام درباره وعده به قدر کافی شنیده است و حالا وقت آن است که در عمل وعده را ببیند. به آیه ۲ توجه کنید. ابراهیم به سوی خدا فریاد کمک دارد و می‌پرسد: «_____ آیا به من می‌دهی تا من به _____ ادامه دهم؟»

۳- چه کسی پس از ابرام وارث اموالش بود (آیه ۲)؟ _____

۴- العاذر که بود (آیه ۳)؟ _____

۵- در آیه ۴ خداوند گفت: «این _____ تو نخواهد شد. _____ تو _____ تو خواهد شد.»

۶- خداوند ادامه داده او را مطمئن ساخت. او ابرام را به بیرون برد و گفت: «_____ به طرف _____ و تعداد _____، اگر قادر هستی که آنها را بشماری.» سپس به ابرام گفت: «_____»

به حافظه سپردن: پیدایش ۱۵: ۶ آیه ایست که بایستی به خاطر بسپری. خیلی ساده است پس از آنکه ابرام به حضور خدا رفت و سوالاتی کرد، بار دیگر خدا آنچه را که اول به او گفته بود، گفت. خدا وعده خود را انجام می‌دهد. پس از آن این کلمات را می‌خوانیم: «(ابرام) _____ آن _____ و _____ آن به او به عنوان _____»

او به خدا ایمان داشت و باور کرد که خدا به آنچه گفته است عمل خواهد کرد. این آیه را روی یک کارت یادداشت کنید و به خاطر بسپارید و برای همیشه در دل خود نگه دارید.

بخش ۴

عمیق تر بکاویم: توجه: بعضی از افراد که این دروس را مطالعه می‌کنند ممکن است مایل باشند به قسمت‌های دیگری که مربوط به این درس می‌شود نگاهی بیافکنند. قسمت عمیق تر بکاویم برای این منظور به وجود آمده است. اما اگر شما از جمله افرادی هستید که مایلید بر پیدایش تمرکز نمایید، در این صورت با کوشش به تمرین بعدی ادامه دهید (*).

۱- جاهای دیگر کتاب مقدس به این آیه در پیدایش ۱۵: ۶ مراجعه می‌کنند. به ستون مقابل در آیه ۶ نگاه کنید که پس از کلمه «عدالت» شروع می‌شود و سپس به آیاتی که ستون مرجع ذکر شده توجه کنید. یکی از مراجع در کتاب رومیان در کتاب عهد جدید می‌باشد. ابتدا رومیان ۴: ۳ را بخوانید و پس از آن آیات ۱۸ تا ۲۵ را بخوانید. در این آیه گفته شده است که ابرام قادر نبود وعده خدا را تحقق بخشد. امید او به خدا بود. او ایمان داشت. آیات ۲۰ و ۲۱ به ما می‌گوید: «نه _____ او را قادر ساخت _____ در مورد _____ از خدا، اما او بیشتر در _____ خود _____ همین که او داد _____ به خدا، کاملاً بود _____ که خدا بود _____ آنچه را که _____ انجام دهد.»

۲- آیات ۲۳ و ۲۴ می‌گوید آنچه که در مورد ابرام پیش آمد، همانگونه در مورد ما که ایمان داریم که او بود که عیسی را از مرگ برخیزانید، روی خواهد داد. به عبارت دیگر، همچنین خداوند ما را عادل می‌شمارد هنگامی که ایمان بیاوریم که عیسی در اختیار قرار گرفت و به خاطر گناهان ما مصلوب شد و نیز باور داشته باشیم عیسی دوباره از مرگ به زندگی برخیزانیده شد. حال ما عادل محسوب می‌شویم. عدالت ما اعلام شده است. ما در رابطه خود با خدای پدر، خالق مان، دوباره در شرایط درستی قرار گرفتیم. خداوند به وسیله پولس رسول که نویسنده کتاب رومیان است، می‌خواهد ما بدانیم که همانطور که ابرام به واسطه ایمانش به خدا، عادل محسوب می‌شد، ما نیز به واسطه ایمان خود به عیسی که برای بخشش گناهان ما مرد، عادل شمرده می‌شویم. قیام عیسی از مرگ، اعلام بی‌گناهی و عدالت ما از جانب خداست. کفاره‌ای که به خاطر گناهان مان بایستی به خدا می‌پرداختیم، از طریق عیسی مهر شد که «تماماً پرداخت شد!»

***تمرین:** به پیدایش ۱۵: ۱۸ برگردید. این صفحه را نگاه دارید و به نقشه‌ای که در کتاب مقدس است توجه کنید. شاید لازم باشد که دومین یا سومین نقشه را ببینید تا هم صحرای مصر را که در مرز جنوبی زمین موعود خدا به ابرام قرار دارد و هم رود فرات را که در مرز شمالی جریان دارد پیدا کنید. به خاطر داشته باشید که فرات رودی است که تارح از اور تا حران در پیش گرفت تا اینکه در حران مستقر شد.

بخش ۵

تمرین: پیدایش ۱۶ را بخوانید. دو شخصیت جدید معرفی شده‌اند. ابرام و سارای تصمیم گرفتند که مسائل را خودشان کنترل کنند.

۱- آیه ۱: سارای _____ ابراهیم است. سارای هیچ فرزندی برای ابرام نیاورد.

۲- اما سارای یک _____ داشت. نام او _____ بود.

۳- آیه ۲: سارای چه نقشه‌ای داشت که با ابرام در میان گذاشت؟ _____

سارای به کلی ناامید شده بود و فکر کرد که شاید خدمتکارش بتواند فرزندی برای او بزیاید.

۴- آیات ۲ تا ۴: بیش از ۱۰ سال از وعده خدا به ابراهیم می‌گذرد که ابراهیم با همسرش موافقت می‌کند. سارای _____ مصری خود را به ابراهیم می‌دهد که _____ او بشود. ابرام _____ هاجر و هاجر _____ .

۵- وقتی که هاجر حامله شد چه رفتاری با سارای داشت (آیه ۴)؟ _____

۶- سارای چه عکس‌العملی در برابر رفتار هاجر داشت؟ _____

۷- ابرام به شکایت‌های سارای چه جوابی داد؟ _____

۸- سارای با هاجر چگونه رفتار کرد؟ _____

۹- هاجر چه کار کرد (آیه ۶)؟ _____

۱۰- فرشته خداوند هاجر را در کجا ملاقات کرد؟ _____

بار دیگر شما را تشویق می‌کنیم که به نقشه‌هایتان نگاه کنید. هاجر نزدیک یک چشمه آب در بیابان در راه شور دیده شد. به نقشه توجه کنید که بیابان شور در شبه جزیره سینا، بین مصر و کنعان (اسرائیل امروزی) قرار دارد.

۱۱- آیات ۸ تا ۱۲: گفتگویی بین فرشته خداوند و هاجر شروع می‌شود.

الف. فرشته خدا از هاجر چه سوالی کرد؟ _____

ب. هاجر چه جوابی داد؟ _____

پ. فرشته چه راهنمایی کرد؟ _____

ت. در آیه ۱۰ چه چیز دیگری فرشته خدا به هاجر گفت؟

ث. در آیات ۱۱-۱۲ فرشته خداوند درباره بچه چه گفت؟

۱. تو یک _____ به دنیا می‌آوری. نام او را _____ خواهی گذاشت.

۲. اسماعیل یعنی خدا _____ .

۳. خداوند _____ تو را شنیده است.

۴. اسماعیل یک _____ خواهد بود.

الف. همه _____ او را.

ب. همه _____ به او.

ج. او در _____ زندگی می‌کند و _____ تمام او _____ .

۱۲- آیات ۱۵ و ۱۶: هاجر فرزند پسری برای ابرام به دنیا آورد به نام _____ . وقتی که پسر دنیا آمد ابرام چند سال داشت؟ _____

بازتاب:

۱- وقتی که این داستان را تمام کردید چه افکاری به سر شما آمد؟ _____

۲- چه احساسی به شما دست می‌دهد اگر به شما بگویند که پسران با دشمنی نسبت به تمام برادرانش زندگی خواهد کرد؟ _____

کاربرد: خداوند به هاجر رحم و شفقت نشان داد. علیرغم آنکه هاجر به خانم خانه بی‌احترامی کرد و مورد نفرت قرار داد.

۱- شما چه عکس‌العملی دارید اگر کسی با شما یا دوست شما بدرفتاری نماید؟ _____

۲- کلام تشویق‌آمیز عیسی برای ما چیست؟ به متی ۵: ۴۳-۴۸ مراجعه کنید.

دعا: خداوندا، باید اعتراف کنم که اغلب اوقات صبر خود را از دست می‌دهم و تصمیم می‌گیرم که مشکلات را به دست خود برطرف نمایم و در نتیجه با بسیاری از نتایج نامطلوب روبرو می‌شوم. اعمال شتاب‌زده مرا ببخش و رضایتی که از تو سرچشمه می‌گیرد به من عطا کن. مرا یاری ده تا به آنهایی که عزیزان مرا ناراحت می‌کنند، آنگونه که تو می‌خواهی رفتار کنم. باشد که محبت و شفقت تو در من جاری شود.

درس دوم

من خدای تو خواهم بود

پیدایش ۱۷ - عهد

بررسی درس ۲

۱۵	بررسی اجمالی: پیدایش ۱۷
۱۶	مقدمه
	درس ۲: پیدایش ۱۷
۱۷	• عهد پایدار
۲۰	• سختی‌های ابراهیم
۲۲	• تعریف: عهد
۲۳	• خدا اسماعیل را برکت می‌دهد
۲۵	• هاجر و اسماعیل خارج می‌شوند
۲۷	• نعمت‌های خدا برای اسماعیل
۳۰	• دوره

مقدمه

آشوبی در چادر ابراهیم برپا بود. از زمانی که خدا به ابرام وعده داده بود، ده سال گذشته بود. سارای عقیم باقی ماند. هاجر باردار بود و پسری به نام اسماعیل برای ابرام به دنیا آورد. و علاوه بر همهٔ مسائل، سارای و هاجر با هم سازش نداشتند. سیزده سال گذشته است. داستان ابرام را در پیدایش ۱۷ دنبال می‌کنیم. اکنون ابراهیم نود و نه سال دارد.

بار دیگر خدا به ابراهیم ظاهر شد و این بار با او و اعقاب او برای همیشه پیمانی بست. «من خدای آنها خواهم بود.» در عهد و پیمان دستور ختنه بود و این شامل تمام نوزادان پسری می‌شد که در خانوادهٔ ابرام به دنیا می‌آمدند. ختنه نشانی از عهد بین خدا و ابرام بود.

حقیقت به جای خود برقرار است. سارای و ابرام بدون فرزند هستند اما خدا نه تنها عهد خود را با ابرام برقرار می‌کند، بلکه این پیمان را با نسل و دودمان او می‌بندد و اعلام می‌کند که فرزندان او بشمار خواهند بود. تمام این سال‌ها ابرام وعدهٔ خدا را باور نمود. حالا خدا نام ابرام را به ابراهیم تغییر می‌دهد و می‌گوید نام ابراهیم یعنی پدر امت‌ها! خداوند همچنین نام سارای را عوض کرده او را سارا یعنی مادر ملت‌ها می‌خواند! این چطور ممکن است؟

خدا به ابراهیم اطمینان می‌دهد که همسرش سارا باردار شده و پسری می‌زاید. عهد و پیمان بدون وارث اعتباری ندارد، زیرا عهدی که خدا بست شامل اعقاب و نسل‌های او می‌باشد. می‌توانیم خندیدن ابراهیم را بشنویم در حالیکه فکر می‌کند «من به زودی صد ساله می‌شوم و سارا به نود سالگی می‌رسد.» اما ابراهیم به خدا ایمان داشت و خدا ایمان او را به عنوان مردی عادل محترم شمرد.

آیا با سارا و ابراهیم می‌خندید؟ یا، شاید در ناباوری به حماقت‌شان می‌خندید که به چنین وعده‌ای سال‌های سال ایمان داشتند؟ خدا در هر حال، با ابراهیم و نسل او پیمان بست و اسحاق به دنیا آمد. تصور کنید که چه خوشی و جشنی برپا شد!

چطور می‌شود با امیدواری انتظار کشید هنگامی که همه چیز نشان ناامیدی دارد؟ این داستان ابراهیم و سارا است. داستان شما چگونه است؟ چه وقت برای انجام آنچه که غیرممکن می‌نماید، درخواست کرده‌اید؟ چه چیزی امید شما را زنده نگه داشته است؟ تلاش و سختی شما چگونه بود؟ آیا پیش آمد که از روی ناباوری بخندید؟ چه پشتیبانی و حمایتی و یا عدم حمایت از خانواده و دوستان دریافت کردید؟ خدا به ابراهیم، به وعده‌اش و عهد و پیمانش وفادار ماند. خداوند با قوم خود یعنی به من و شما وفادار می‌ماند. هرچند که ابراهیم و سارا هرگز «ملت‌ها» را ندیدند اما به خدایی که گفت «من پیمان خود را به عنوان پیمانی ابدی بین من و تو و نسل بعد از تو تا نسل‌های آینده برقرار می‌کنم، که خدای شما باشم» ایمان داشتند.

بخش ۱

مقدمه: اکنون ابرام نود و نه سال دارد. خداوند بار دیگر نزد او آمد و باز هم عهد و پیمان خود را تاکید و تایید کرد، پیمانی که ۲۵ سال پیش با او بسته بود.

تکلیف: پیدایش ۱۷: ۱-۸ را بخوانید.

تمرین: به تمام آنچه خدا برای تحکیم پیمان خود با ابرام می‌گوید توجه کنید.

۱- آیه ۲: خدا می‌گوید که او «خواهد _____ من _____ بین من و تو، باشد که _____ تو _____».

۲- آیه ۳: ابرام به صورت روی زمین می‌افتد و خدا ادامه داده پیمان خود را اعلام می‌کند «تو خواهی بود _____»

برای بسیاری _____ . (آیه ۴)

۳- آیه ۵: خدا نام ابرام را به ابراهیم تغییر می‌دهد. توجه: ممکن است کتاب مقدس شما توضیحی در پایین صفحه در مورد معنی نام ابرام به معنی «پدر سرافراز» داشته باشد. ابراهیم یعنی پدر بسیاری.

«دیگر نام تو _____ خوانده نخواهد شد، اما نام تو بایستی _____، زیرا من تو را _____ بسیاری ساخته‌ام.»

۴- توجه کنید به کلمه «من خواهم» در این سه آیه بعدی (آیات ۶ تا ۸) با مداد رنگی زیر آنها خط بکشید.

الف. من خواهم _____

ب. من خواهم _____

ج. من خواهم _____

چ. من خواهم _____

د. و تمام سرزمین کنعان که او حالا در آن به سر می‌برد برای او بیگانه و اجنبی در نظر می‌آید، خدا

می‌گوید من خواهم _____

۵- در آیه ۸ خدا دربارهٔ نسل ابراهیم به او وعده‌ای داد؟ او می‌گوید: «... و من خواهم _____»

بازتاب: خود را به جای ابراهیم بگذارید. بیست و پنج سال پیش خدا قول داد که با او هست و از او ملتی بزرگ خواهد ساخت (پیدایش ۱۲: ۲). ده سال بعد سارا از مادر شدن ناامید می‌شود و به این می‌اندیشد که ممکن است هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد، به یقین وعده شامل سارا نبود. از اینرو کنیز خود هاجر را به ابراهیم می‌دهد. هاجر فرزندی به دنیا آورد. نزاعی بین سارای و هاجر در گرفت. ابراهیم حتماً از اجرای نقشه خود پشیمان شد و با ایمان فقط بایستی باور می‌کرد که خدا وعده خود را به هر صورتی و هر زمانی که بخواهد در مورد او انجام می‌دهد و او هرگز در اجرای نقشه خدا دخالت نخواهد کرد. وقتی که ابرام نود و نه ساله بود، دوباره خدا بر او ظاهر شد و وعده را تکرار کرد. با ابرام عهد بست، نام او را به ابراهیم تغییر داد و تمام «من خواهم»های وعده را اعلام نمود. اگر شما بهترین دوست ابراهیم بودید و او تمام رویدادهای زندگی‌اش را از زمان گذشته که حران را ترک کرد (پیدایش ۱۲: ۱) تا زمان حاضر که خدا نامش را عوض کرد (پیدایش ۱۷)، با اطمینان برای شما نقل کرده بود، این بار وقتی که ابراهیم به چادر شما می‌آمد که با شما غذا بخورد و از ملاقات اخیر خدا با شما صحبت کند، به او چه می‌گفتید؟

کاربرد شخصی:

۱- زمانی را به یاد آورید که ناگزیر بودید صبر کنید. شاید نه به اندازه ابراهیم اما به هر حال شرایط به گونه‌ای بود که احتیاج به صبر و انتظار داشت.

۲- در زمانی که انتظار می‌کشید چه افکاری در سرتان بود؟

۳- داستان چگونه پایان یافت؟

بازتاب: بسیاری از ما وعده‌هایی شنیدیم که هرگز انجام نشد. وعده‌هایی که به ثمر نمی‌رسد ناراحت کننده است. و حتی روابط را از بین می‌برد. شاید شما کسی هستید که وعده‌ای داده‌اید اما به آن عمل نکرده‌اید. اگر اعتراف کنیم که از دریافت نکردن وعده ناراحت شده‌ایم و یا به دیگران اعتراف کنیم که در این باره کسی را ناامید کرده‌ایم، فرصتی به خداوند می‌دهد که شفا و آرامش و یکپارچگی روابط را دوباره برقرار نماید. چه کسی ممکن است به ذهن شما بیاید؟ شاید زمان آن رسیده که پیشقدم شده سعی کنید دلشکستگی و از هم پاشیدگی رابطه خود را با این شخص برطرف کرده تسلی دهید و فرصتی به خداوند بدهید تا صلح و آشتی به وجود آورده رابطه را دوباره برقرار سازد.

دعا: خداوندا، از وفاداریت به ابراهیم سپاسگزارم. تو را شکر می‌کنم که به ابراهیم ایمان دادی که وعده‌های تو را باور کند که وعده‌هایت را به ثمر می‌رسانی. تو هیچگاه وعده‌های خود را نمی‌شکنی. گاهی اوقات من به دیگران قولی داده‌ام که به آن عمل نکرده‌ام. خواهش می‌کنم مرا ببخش و با قدرت خود به من این توانایی را عطا کن که پیشقدم شده حقیقت را بپذیرم و اعتراف کنم که موجب ناراحتی دیگران شده‌ام. بگذار شفا و مساوات دوباره برقرار گردد.»

بخش ۲:

تمرین: خدا همچنین وعده‌ای را که در مورد سارای به ابرام داده بود تجدید کرد. پیدایش ۱۷: ۱۵-۱۷ و آیه ۱۹ را بخوانید.

۱- در مورد سارای خدا چه می‌گوید؟

الف. در آیه ۱۵ در مورد نامش: _____

ب. در آیه ۱۶ در مورد وعده: _____

۲- بدون تردید، ابراهیم به سختی باور می‌کند که آنچه خدا وعده داده است صورت می‌گیرد. آیه ۱۷ را دوباره بخوانید. او نهایت ناامیدی و بی‌یهودگی شرایط را دید. در هشتاد و پنج سالگی هنوز ابرام قادر بود فرزندی بیاورد و حالا در صد سالگی ابراهیم می‌دید که هر دوی آنها، او و سارا، هیچکدام بارور نبودند. این آیه چه می‌گوید که نهایت ناامیدی را آشکار می‌سازد؟

الف. به شرایط بدنی و پاسخ احساسی او در آیه ۱۷ توجه کنید: _____

ب. به سوالاتش توجه کنید:

۱- _____

۲- _____

۳- خداوند فریاد قلب او را شنید و به او اطمینان داد که به آنچه وعده داده عمل خواهد کرد. خدا می‌دانست که ابراهیم فهمید که انجام وعده خدا دیگر در دست ابراهیم یا توانایی او نیست بلکه کاملاً در دست خداست.

الف. آیه ۱۹: سپس خدا گفت: «همسر تو سارا _____ خواهد شد.»

ب. نام او _____ خواهد بود. «من خواهم _____»

«_____»

کاربرد شخصی: تا به حال هرگز اتفاق افتاده که چنین چیزی بگویید: «این از دست من خارج است. کاری نمی‌توانم بکنم»؟ یا «این از قدرت من خارج است»؟ در چنین شرایطی ما نیز بی‌نهایت احساس ناامیدی می‌کنیم و در حیرتیم که چه عواقبی پیش خواهد آمد و اغلب در اضطرابیم که بدترین وقایع رخ دهد. همانطور که خدا به ابراهیم و سارا وفادار بود و عهد و پیمان خود را صرف‌نظر از احساس ناامیدی و بیچارگی‌شان حفظ نمود، بنابراین وفاداریش در مورد ما نیز با وعده‌هایش به جای خود باقیست. لحظه‌ای به اطمینانی که محبت خدا در کتاب تثنیه ۳۱: ۸ می‌دهد، ببانداشید و از او به خاطر آرامشی که در کلامش وجود دارد سپاسگزاری کنید: خداوند کفایت می‌کند. «_____»

به حافظه بسپريد: در گذشته‌ای دور، این قسمت از تثنيه ۳۱: ۸، از سوی رهبر بزرگ موسی به یوشع گفته شد. موسی در حال مرگ بود. یوشع جانشین او می‌شد. او این کلمات را به یوشع گفت که موسی خودش می‌دانست حقیقت داشت. زندگی موسی شهادتی بود که خدا پیشاپیش می‌رود و راه را آماده می‌کند، با او می‌رود که هدایتش نماید و در کنارش می‌ایستد و هرگز ترکش نکرده و فراموشش نخواهد کرد، او نیز ترس یوشع را از بین برد و در رهبری به او قوت و شهامت بخشید. برای به خاطر سپردن، تثنيه ۳۱: ۸ را روی کارتی یادداشت کرده به حافظه بسپريد و از سخنانی که موسی به یوشع گفت لذت ببرید که هنوز هم در زندگی هر یک از ما در این قرن بیست و یکم به طور آشکاری ادامه دارد.

کاربرد شخصی: آیاتی که به خاطر می‌سپاریم معنی و حقانیت جدیدی برای ما دارند. به ویژه هنگامی که آنها را برای دیگران به زبان می‌آوریم. آیا رهبر و یا کسی را می‌شناسید که مایلید این کلمات را با آنها در میان بگذارید؟ کلماتی که آنها را از حضور همیشگی خدا در زندگی‌شان مطمئن ساخته و قوت می‌دهد؟ شاید والدین یا معلم و یا رئیس و یا همکاری است به آن نیاز دارد. و یا شاید دوستی است که در حال تلاش و سختی، یا جراحی و به شدت تنهاست. در شهادت خود برای در میان گذاشتن وفاداری و محبت خداوند شهامت داشته باشید. فکر کنید چه می‌خواهید بگویید.

دعا: خدایا تو را برای محبت عظیمت که در وفاداریت به ابراهیم و سارا و به من نیز نشان دادی شکر می‌کنم. به من یاری ده که بدانم و بفهمم و که این به آن معنی نیست که هرچه را که درخواست می‌کنم همیشه دریافت خواهم کرد، اما به این معنی است که محبت و وفاداری تو نسبت به من هرگز تغییر نخواهد کرد.

بخش ۳

تعلیم: پیمانی که خداوند با ابراهیم بست، پیمانی ابدی بود. پیمان نه تنها برای ابراهیم و سارا بود، بلکه فرزندان و نسل‌های آینده را نیز در بر می‌گرفت. با بررسی بخش‌های زیر، این پیمان ابدی را بهتر درک می‌کنیم.

۱- تعریف: یک پیمان، یک قول و یا قرار است که بین دو نفر بسته می‌شود. در پیدایش ۱۷: ۴ این پیمان از طرف شخصی بالاتر یعنی خدا، شروع شده و از جانب شخص پایین‌تر، یعنی ابراهیم پذیرفته شده است. دو طرف پیمان با یکدیگر موافقت نمودند که شرایط عهد و بیان آن توسط کسی که پیمان را قرار داده است انجام شود.

خدا به ابراهیم می‌گوید که چه وعده‌ای به او می‌دهد. این‌ها بخش «من خواهم» را تشکیل می‌دهد که قبلاً در بخش ۱ دیدیم. سپس خداوند به ابراهیم می‌گوید که چه انتظاری از او دارد. در واقع این عهد و پیمان ابدیست، زیرا خدا آن را به وجود آورد و گفت این پیمان در مورد فرزندان و نسل‌های آینده ابراهیم نیز برقرار است.

در پیدایش ۹: ۱۶ به خاطر می‌آوریم که خدا پیمانی ابدی بین خود و «تمام موجودات زنده از هر قبیل روی زمین» برقرار کرد. این پیمان را با نوح بست که عهد متفاوتی است. این پیمان را خدا برقرار ساخت و تمام راه‌ها و جزئیات آن را در نظر گرفت و خود او بود که پیمان را نگه داشت. رنگین کمان نشانی از پیمان خدا با نوح بود که تا امروز نیز هنوز پابرجاست.

تمرین: بگذارید به پیمان ابدی خداوند که با ابراهیم برقرار کرد در پیدایش ۱۷ نگاهی دقیق‌تر بیافکنیم.

۱- به انتهای آیه ۷ توجه کنید. اولین چیزی که خدا به عنوان بخشی از پیمانش می‌گوید چیست؟ «من خواهم _____»

۲- پس از آنکه تعهد می‌کند که خدای آنها باشد و بنابراین آنها قوم او خواهند بود، در آیه ۸ او می‌گوید: «من به شما خواهم داد _____ و به شما _____ شما _____ بعد از شما _____ شما _____ و سرزمین _____ برای همیشه _____.»

۳- بار دیگر خدا در آیه ۸ قول می‌دهد «... و من _____ آنها خواهم بود.»

۴- کار دیگری که خدا در پیمانش با ابراهیم می‌کند این است که آنچه را که از ابراهیم، فرزندان و نسل‌های آینده انتظار دارد، شرح می‌دهد. در آیات ۹ تا ۱۴ خداوند شرایطی قرار می‌دهد که تعهد آنها چه خواهد بود. این آیات را بخوانید و آیات ۱۰ و ۱۱ را بنویسید: «هر شخص ذکور _____ بین من و تو.»

۵- آیات ۱۲ و ۱۳ اطلاعات بیشتری درباره توضیحات خداوند در مورد ختنه در افراد خانواده ابراهیم و نسل او می‌دهد.

بخش ۴

تعلیم: خداوند انتظار دارد اطاعت کنیم و در آن صورت قول می‌دهد که آنهایی که عهد و پیمان را احترام گذاشته، ختنه شوند برکت خواهد داد. در عین حال، برای آنان که از قانون ختنه نافرمانی کنند، مجازاتی قائل می‌شود. در پیدایش ۱۷: ۱۴ خدا می‌گوید برای آنان که نافرمانی کنند چه اتفاقی می‌افتد؟

خدا عهد و پیمان خود را جدی می‌گیرد. او قول خود را در عهدش نگاه می‌دارد و انتظار دارد ابراهیم و خانواده‌اش ختنه شده، سهم خود را از قرارداد به جا آورند.

هرچند که پیمان با ابراهیم به عنوان رئیس قبیله و خانواده بسته شد و هرچند که مردان بایستی ختنه می‌شدند که نشان این بود که بخشی از عهد و پیمان هستند، اما عهد و پیمان شامل زنان نیز بود. زنان بایستی توسط پدران‌شان وارد این پیمان می‌شدند و از طریق شوهران‌شان برکت را دریافت می‌کردند. کلام خدا را در مورد سارا در آیات ۱۵ و ۱۶ به خاطر آورید. کلام خدا تقریباً مشابه کلامی بود که در آیات ۵ و ۶ خداوند به ابراهیم داد.

در قرن بیست و یکم بسیاری از نوزادان قبل از آنکه بیمارستان را ترک کنند ختنه می‌شوند. اما در خانواده‌های یهودی این کار اغلب از طریق ربای در منزل و یا سیناگوگ صورت می‌گیرد. به هر حال چه ختنه در خانواده ابراهیم در روز هشتم در چادرها انجام می‌شد یا امروزه به عنوان قانون در خانواده یهودی یا سیناگوگ و یا در بیمارستان‌های مدرن قبل از ترک نوزاد صورت می‌گیرد، می‌دانیم که ختنه شدن مستلزم ریختن خون است. باز در درس‌های گذشته به خاطر می‌آوریم که ریختن خون در تمام تاریخ امری ضروری و مهم بود. ریختن خون برای پاک شدن گناهان لازم بود و حال خدا می‌خواهد که قوم او این رسم را به عنوان قوم او اجرا نمایند. همه آنها از طریق ریختن خون پاک شدند. رابطه آنها به واسطه پیمانی که با آنها برقرار کرد، مستحکم بود. او خود را خدای آنها دانست (آیه ۷) و اعلام کرد که ایشان قوم او هستند (آیه ۱۴).

بازتاب: در نظر اول چندان مهم به نظر نمی‌رسد که خدا برگزید که با ابراهیم، سارا و اعقاب آنها پیمان ببندد. اما با دقتی بیشتر، ممکن است خواست خدا را درک کنیم که خدای آنها خواهد بود و آنها قوم او هستند. به آیات زیر توجه نمایید و قدری بیشتر تامل نمایید که این خدا کیست و درباره این مردمان که قوم او هستند بیشتر بیاموزید.

۱- پیدایش ۱: ۱ و پیدایش ۱: ۲۷

الف. خدا کیست:

ب. انسان کیست:

۲- پیدایش ۱۷: ۱

الف. خدا کیست:

ب. خدا چه انتظاری از انسان دارد:

۳- مزمور ۸: ۱-۲ و مزمور ۱۳۹: ۱۴-۱۶

الف. خدا کیست: _____

ب. انسان کیست: _____

۴- ارمیا ۲: ۱۱، ۱۳، ۱۹ و ارمیا ۳۳: ۸

الف. انسان کیست: _____

ب. خدا کیست: _____

این قسمت‌ها را خلاصه کرده و بیان کنید که خدا کیست: _____

این قسمت‌ها را خلاصه کرده و توضیح دهید که انسان کیست: _____

دعا: خداوند، محبت تو زندگی مرا سرشار می‌سازد. تو خالق زمین و آسمان هستی. تو کامل و بدون نقص، خدای قادر توانا هستی. نام تو در تمام روی زمین عظیم است. تو خالق من هستی و تمام مردم روی زمین را آفریدی. تو می‌خواهی زندگی من بدون گناه باشد، هنوز علیرغم عظمتت به من می‌اندیشی و از تمام نگرانی‌های من با خبری. همچنین از تمام کردار، گفتار و افکار گناه‌آلودم با خبری. اما با این حال مرا بخشیده‌ای و با خون عیسی که نجات‌دهنده من است مرا پاک نمودی. تو به من حیات بخشیدی و اعلام نمودی که خدای من هستی و مرا برگزیدی که در میان قوم تو باشم. تنها تو را می‌ستایم و شکر می‌گوییم.

بخش ۵

مقدمه: قبل از آنکه به داستان ابراهیم ادامه دهیم، بهتر است ببینیم که بر سر اسماعیل چه آمد. بگذارید بررسی کوتاهی بکنیم. سارای کنیز خود هاجر را به ابراهیم داد. ابراهیم با هاجر هم‌بستر شد و او را حامله کرد. وقتی هاجر پی برد که حامله است، نفرت خود را به سارای نشان داد (پیدایش ۱۶: ۴) و در پایان، سارای به قدری با هاجر بدرفتاری کرد که او فرار کرد (پیدایش ۱۶: ۶) و فرشته خداوند او را در بیابان پیدا کرد. فرشته به او گفت که به خانه سارای برگردد و به او تسلیم شود. پس از آن فرشته خدا به هاجر قول داد که فرزندان و نسل او را زیاد کند که نتواند آنها را بشمارد.

سخنان فرشته خدا در پیدایش ۱۶ که به هاجر در مورد پسرش گفت قدری پیچیده و نامفهوم است. در ابتدا، حاملگی او تایید می‌شود و گفته می‌شود که پسری خواهد داشت و باید نام او را اسماعیل بگذارد. اسماعیل یعنی خدا ناراحتی تو را شنیده است. سپس فرشته ادامه داده می‌گوید اسماعیل مردی مانند یک حیوان وحشی خواهد شد که بر علیه همه بوده و همه نیز بر علیه او می‌شوند، و با تمام برادرانش دشمنی خواهد کرد. در پایان این فصل گفته می‌شود که هاجر پسری برای ابرام به دنیا آورد، نام او را اسماعیل نهادند و در این هنگام ابرام هشتاد و شش سال داشت.

تمرین:

- ۱- سپس در پیدایش ۱۷ درباره اسماعیل می‌شنویم. در آیه ۱۸ به نظر می‌رسد که ابراهیم به خدا التماس می‌کند و می‌گوید: «اوه، اسماعیل بایستی در برابر تو زندگی کند.» خداوند به ابراهیم پاسخ می‌دهد که اسماعیل تحت برکت خدا زندگی خواهد کرد، اما در هر حال او فرزندی نیست که خدا پیمان ابدیش را با ابراهیم بسته است.
- ۲- در پیدایش ۱۷: ۲۰ خدا درباره اسماعیل چه می‌گوید؟ «اما درباره اسماعیل، سخنان تو را شنیده‌ام.»

الف. من دارم _____ او را؛

ب. و خواهم _____ . او خواهد _____ ، و

پ. من خواهم _____ .»

- ۳- در همان روز که پیمان ابدی خداوند به ابراهیم داده شد، ابراهیم با اطاعت پاسخ داد. پیدایش ۱۷: ۲۷-۲۳ را بخوانید. توجه کنید که درباره اسماعیل چه گفته شده است.

الف. آیه ۲۳: ابراهیم چه کرد؟ _____

ب. آیه ۲۴: «ابراهیم _____ ساله بود که ختنه شد.»

پ. آیه ۲۵: «... پسرش اسماعیل _____ ساله بود.»

ت. آیه ۲۶: ابراهیم و اسماعیل هر دو _____ در یک _____ .

ث. آیه ۲۷: چه کس دیگری با آنها ختنه شد؟

و فکر کنید که نباید حتما کسی پسر ابراهیم باشد تا برکتی را که پسر خودش یافت، به دست آورد. هر فرزند ذکور که در خانواده او به دنیا آید و یا آورده شود، چون از بیگانگان خریداری شده بود، ختنه شد و از این رو تحت برکت پیمان ابدی خداوند قرار گرفت. چه عمل فیض بخشی از جانب خداوند که محبت او را بدون استحقاق دریافت کنیم!

تعلیم: وقتی که به عیسی نگاه می کنیم، پی می بریم که آنهایی که عقیده دارند خونی که عیسی روی صلیب ریخت موجب بخشش گناهان ما شد، شامل عهد و پیمان رابطه با خدای پدر می شوند. چه موقعیت بی نظیری! ابراهیم، اسماعیل و تمام آنها که در آن خانواده بودند، هیچ کوششی برای دسترسی به این پیمان ابدی نکردند. خداوند با محبت رایگان خود نزد ابراهیم آمد و همه را مشمول عهد و پیمان خود ساخت. او خدای آنها خواهد بود و آنها نیز قوم او به شمار می روند. بنابراین ضمن اینکه در درس آینده می آموزیم خداوند ما را پاک ساخت و به ما حیات بخشید و اعلام کرد که او خدای ماست و ما را با برکت آب و کلام «در نام پدر، پسر و روح القدس» تطهیر نمود و تعمید داد.

دعا: خداوند، همانطور که با اسماعیل عهد بست، با من نیز عهد بست و مرا عضوی از خانواده خود ساخت. تو مرا فرزند خود خواندی، تو پدر آسمانی من هستی. تو خدای من هستی، کسی که دوست دارم و می پرستم. از فیض عظمت در زندگی سپاسگزارم. زیرا نجات مرا کاملا با آنچه که خود انجام دادی میسر ساختی. بگذار برکت هایی را که در زندگی جاری نمودی همیشه در خاطر داشته باشم. به ویژه نعمت بازسازی رابطه ام را با تو از طریق نجات دهنده ام عیسی.

بخش ۶

تکلیف: مرجع دیگری در مورد اسماعیل در پیدایش ۲۱: ۸-۲۱ یافت می‌شود. سرانجام اسحاق به دنیا آمد. این آیات را بخوانید.

تمرین: بار دیگر در خانواده ابراهیم مشکلاتی به وجود می‌آید. این بار چه مشکلی وجود دارد؟

۱- آیه ۸: ما چه می‌آموزیم؟ اسحاق بزرگ شد و وقتی که از شیر گرفته شد ابراهیم _____ عظیمی برپا کرد.

۲- آیه ۹: سارا چه چیزی مشاهده نمود؟ _____ رفتار و برخورد مادر در پسرش نمایان شد.

۳- آیه ۱۰: پس سارا چه درخواستی از ابراهیم داشت؟ _____

۴- آیه ۱۱: ابراهیم به شدت تحت فشار قرار گرفت. از همه اینها گذشته، اسماعیل _____ او بود.

۵- آیه ۱۲: خدا چه راهنمایی به ابراهیم کرد؟ _____

_____ . از طریق اسحاق، پسر ابراهیم است که وعده انجام می‌گیرد.

۶- آیه ۱۳: در مورد اسماعیل خداوند چه وعده‌ای به ابراهیم می‌دهد؟ _____

تعلیم: خداوند اسماعیل را فراموش نکرده بود و یا وعده‌ای را که سال‌ها پیش در بیابان در راه شور به هاجر که باردار بود، داده بود، از خاطر نبرد. حالا سارا از ابراهیم می‌خواهد که کنیز مصری و پسرش را اخراج کند. خدا به ابراهیم دستور می‌دهد که حرف سارا را گوش دهد، از این‌رو صبح روز بعد، ابراهیم با قدری آب و غذا هاجر و پسرش اسماعیل را از خانه خود بیرون می‌کند.

آیه ۱۴ با این کلمات خاتمه می‌یابد: «زن _____ و _____ در _____ از _____». خواندنش آسان است. اما چقدر باید دشوار باشد که پدر و پسر از هم جدا شوند، به خصوص برای پدری که پسرش را که ممکن است هرگز نبیند، بسیار دشوار است. چه شرایط دشواری؟ سیزده سال ابراهیم و اسماعیل با هم زندگی کرده بودند. بدون شک اسماعیل در مسیر رشد و بزرگ شدن، لحظات لذت‌بخشی با پدرش داشت. اما حالا این رابطه پایان می‌یافت زیرا مادر و پسر ناگزیر بودند به بیابان وسیع بترشبع رهسپار شوند. ابراهیم می‌دانست که آن آب و غذا مدت کوتاهی به آنها کمک می‌کند و پس از آن دیگر چیزی ندارند.

تمرین: حال داستان با مادر و پسر در بیابان ادامه می‌یابد. در پیدایش ۲۱: ۱۵ پی بردیم که مقدار آبی که داشتند تمام شد و هاجر ناچار شد پسرش را زیر بوته‌ای بگذارد.

۱- آیه ۱۶: بعد از آن هاجر چه کرد؟

۲- آیه ۱۷: صدای گریه پسرش را شنید: «و خدا _____ آن _____ از طرف پسر...» چه _____

تو، هاجر؟ «مترس، زیرا خدا _____ دارد _____ آن _____ از آن _____
هرجایی که او هست.»

۳- آیه ۱۸: چه دستوری دریافت کرد؟

۴- آیه ۱۹: وقتی که چشمانش را باز کرد خدا چه چیزی به او نشان داد؟

بنابراین هاجر کیسه خالی را از آب پر کرد و به پسرش داد؟

۵- آیه ۲۰: اسماعیل چه شد؟ در حالیکه بزرگ می‌شد خدا با او بود.

الف. کجا زندگی می‌کرد؟

ب. چگونه بزرگ شد؟

پ. نام بیابانی که در آن زندگی می‌کرد چه بود؟

ت. مادر مصری‌اش از کجا برای او همسر انتخاب نمود؟

بخش ۷

تعلیم: محبت و نعمات خداوند برای اسماعیل همچنان ادامه داشت. اما پرسیم چرا؟ اسماعیل و مادرش از سارا نفرت داشتند و سارا و ابراهیم را آزار می‌دادند. چرا همیشه اسماعیل از محبت و نعمت‌های خداوند در زندگیش بهره‌مند بود؟ پیدایش ۲۱: ۱۳ به ما می‌گوید که چرا خداوند به او وفادار بود: «زیرا اسماعیل _____ توست.» او پسر ابراهیم بود و طبق قانون ختنه، از وعدهٔ ابدی خداوند برکت می‌برد. به اسماعیل وعده داده شده بود که از او قومی بزرگ به وجود می‌آید. وعدهٔ خداوند به او تعلق داشت.

فیض خداوند، محبتی که ما شایستگی آن را نداریم، به همه تعلق می‌گیرد. بسیاری از مردم این دنیا قادر نیستند محبت بدون شرط خداوند که را به هر دو گروه عادل و غیرعادل تعلق می‌گیرد درک نمایند. ما این محبت را به صورت باران مشاهده می‌کنیم. او باران را می‌باراند و بر ما می‌ریزد. محبت او با شایستگی ما کسب نمی‌شود. محبت با او آغاز شد و به همهٔ ما داده شد. اول یوحنا ۴: ۱۹ می‌گوید: «ما دوست داریم زیرا ابتدا او ما را دوست داشت.»

به حافظه سپردن: وقت آنست که یک قسمت دیگر از کتاب مقدس را به کتابخانهٔ حافظه‌مان بیافزاییم. رومیان ۶: ۳-۴ یادآور می‌شود که ما حیات نوینی داریم زیرا در عیسی تعمید یافته‌ایم و همانطور که او برای گناهان ما جان داد، از این رو ما در تعمید، در گناهانمان مردیم و همچنان که او از مرگ برخاست، ما نیز زندگی و حیات نوینی در عیسی داریم. این دو آیه را در کارت‌های خود یادداشت کنید و در طول هفته به ذهن بسپارید و به سوالات زیر پاسخ دهید:

۱- برای شما چه فرقی می‌کند که بدانید از این امتیاز برخوردار هستید که تحت عهد ابدی بخشش گناهان قرار دارید و حالا به دلیل آزاد شدن از عواقب گناه حیات و زندگی جدیدی دارید؟ _____

۲- چه افکاری به سر شما می‌آید که اگر مانند ابراهیم و اسماعیل، من و شما نیز می‌توانستیم از برکتی که خداوند بدون آنکه شایسته باشیم به ما می‌دهد بهره‌مند شویم زیرا او اعلام می‌کند که خدای ماست و ما قوم او هستیم؟ _____

در پشت کارت خود برای رومیان ۶: ۳-۴ بنویسید "کاربرد شخصی". در حالیکه این آیات را می‌آموزید، هرگونه درون‌بینی و کشفیاتی را که به دست می‌آورید به آن اضافه کنید که حیات جدید که یک زندگی آزاد از تقصیر و شرم و یک زندگی پوشیده از عهد ابدی خداوند با بخشش گناهان برای شما چه مفهومی دارد.

دعا: خداوندا، محبت بی‌قید و شرط تو همهٔ ما را در بر گرفت. تو را شکر می‌کنم. این محبت را در زیبایی هر روز نوین می‌بینم، در محبت یک فرزند، در دوستانی که زندگی مرا در برگرفته‌اند. تو را شکر می‌کنم از تو می‌طلبم که به من توانایی ببخشی که درک و باور کنم که فقط به فیض عظیم تو در حیات ابدی با تو نیاز دارم.

بخش ۸

دوره و بررسی: بیابید دوره‌ای بکنیم. چندین گروه از مردم و اماکن بسیاری به ما معرفی شد. در ستون سمت راست تعیین کنید که این کلمه نام محل یا شخص است و سپس در آخرین ستون کلماتی درباره آنچه که در این درس آموخته‌اید بنویسید. از بخش‌های مرجع استفاده کنید تا آنچه را که به خاطر نمی‌آورید به شما یادآوری کند. این برای امتحان شما نیست.

کلمه	محل/شخص	آموزش
حران (پیدایش ۱۲: ۴)		
ابرام (پیدایش ۱۱: ۲۷، ۳۱)		
سارای (پیدایش ۱۲: ۵)		
اور کلدانیان (پیدایش ۱۱: ۳۱)		
کنعان/کنعانیان (پیدایش ۱۰: ۶، ۱۹-۱۵)		
لوط (پیدایش ۱۲: ۵)		
هاجر (پیدایش ۱۶: ۱)		
اسماعیل (پیدایش ۱۶: ۱۵)		
ابراهیم و سارا (پیدایش ۱۷: ۵، ۱۶-۱۵)		
حبرون (پیدایش ۱۳: ۱۸)		

درس سوم

آیا امری هست که برای خدا خیلی دشووار باشد؟

پیدایش ۱۸ – سه نفر ملاقات کننده (سه نفر مهمان)

بررسی اجمالی درس ۳

۳۱	بررسی اجمالی: پیدایش باب ۱۸
۳۲	مقدمه
	درس ۳: پیدایش ۱۸
۳۳	• مهمان نوازی ابراهیم
۳۵	• سارا می خندد
۳۷	• کاربرد: مهمان نوازی

مقدمه

بدون تردید همه ما می‌توانیم به کارهایی که انجامش برایمان بسیار دشوار است فکر کنیم. به سخنی دیگر می‌توان گفت که می‌توانیم به چیزی فکر کنیم که انجامش برای ما غیر ممکن است. ما محدودیت‌های انسانی خود را داریم و تا حدی می‌توانیم کاری را انجام دهیم. در این درس ابراهیم در مقابل این سوال قرار می‌گیرد: «آیا کاری هست که برای خدا بسیار سخت باشد؟» که پاسخ آن آشکار است. نه، هیچ کاری برای خدا سخت نیست. خدا خالق زمین و آسمان است.

در پیدایش ۱۸ ناگزیریم شرایطی را که ابراهیم و سارا در آن قرار گرفتند در نظر بگیریم. آنها هر دو در سنین کهولت هستند و علاوه بر آن سارا عقیم است و از سن باروری نیز گذشته است. عکس‌العمل سارا این است که در ناباوری می‌خندد و سوال می‌کند: «آیا واقعا من در سن پیری صاحب فرزند می‌شوم؟» و خداوند می‌گوید: «آیا چیزی برای خدا دشوار است؟»

خداوند همچنان وعده خود را به ابراهیم و سارا در مورد فرزند گوشزد می‌کند: «ابراهیم به خدا ایمان داشت و خدا به ایمان ابراهیم که مردی عادل بود احترام گذاشت.» همه جزئیات این موقعیت باور نکردنی نبود، اما ابراهیم به خدا ایمان داشت. خدا وعده داده است. خدا گفته است که او صاحب فرزندی خواهد شد. خدا به ابراهیم امید بخشید. و ابراهیم اعتقاد داشت که خدا نمی‌تواند دروغ بگوید (عبرانیان ۶: ۱۸).

خیر، هیچ کاری برای خدا دشوار نیست! اگر خدا امروز به در شما ظاهر شود آیا از او استقبال می‌کنید؟ چه چیزی در زندگی شما غیر ممکن است که او به شما بگوید انجام می‌گیرد؟ آیا بخشیدن موردی در گذشته است؟ یا شفا یافتن از اندوه از دست دادن عزیزان است؟ شاید برای شما غیر ممکن است که از یک شکست عاطفی درمان یابید؟ شما بگویید دست یافتن به چه چیزی در زندگی شما برای خداوند دشوار نیست؟

شاید یک مسئله دیگری هست که باید در نظر بگیرید. آنچه که برای ما بسیار دشوار است، برای خدا دشوار نیست. گناهان گذشته که قادر نیستیم فراموش کنیم، خداوند گناهان ما را دیگر در نظر ندارد (ارمیا ۳۱: ۳۴). محبتی که ما با اشتیاق در جستجوی آن هستیم، خداوند به عنوان محبت ابدی خود آن را به ما می‌بخشد (ارمیا ۳۱: ۳). امنیت و ثبات رابطه‌ای که ما را از تنهایی نجات می‌دهد و از احساس طردشدگی آزاد می‌سازد. خداوند به ما وعده می‌دهد که هرگز ما را ترک و یا فراموش نمی‌کند (عبرانیان ۱۳: ۵). نه تنها این امور برای خدا دشوار نیست، بلکه او تمام این‌ها را وعده داده است. خدا دروغ نمی‌گوید. کلام او حقیقت است و حقیقت جوهر وجود خداست.

آیا برای خدا دشوار است که ما را دوست بدارد در حالیکه ما راه‌های این دنیا را برگزیده‌ایم؟ (افسیان ۲: ۱۰-۱). آیا برای خدا سخت است که ما را دوست بدارد که ما انتخاب کردیم که از او دور و جدا شده و به عنوان دشمن او زندگی کنیم؟ آیا برای خدا سخت است که ما را دوست بدارد و به ما زندگی کامل با خویش عطا کند؟ آیا برای ما سخت است که هدیه رایگان حیات ابدی او را در عیسای مسیح دریافت کنیم؟ آیا برای ما دشوار است که باور کنیم او ما را در عیسی خلق کرد که اعمال نیکو به جا آوریم؟ شکر و سپاس بر خدا که می‌گوید: «فیض من برای شما کافیت، زیرا قدرت من در ضعف شما کامل می‌گردد» (دوم قرنتیان ۱۲: ۹).

بخش ۱

تعلیم: شنیدن داستان‌های مردم بسیار آموزنده است. اغلب، هنگامی که تجارب خود را با دیگران در میان می‌گذاریم و یا به داستان‌های دیگران گوش فرا می‌دهیم، به تدریج با کسانی آشنا می‌شویم که سرانجام دوست صمیمی ما می‌شوند. در این درس چهار سرگذشت متفاوت را دربارهٔ ابراهیم و خانواده‌اش می‌خوانیم. این حکایت‌ها را در پیدایش ۱۸-۲۲ می‌توان یافت. در ضمن مطالعهٔ این داستان‌ها این سه سوال را می‌کنیم:

۱- حقایق این داستان کدامند؟ به طور مثال: شخصیت‌ها کیستند؟ داستان در چه مکانی اتفاق می‌افتد؟ و عملاً چه اتفاقی رخ می‌دهد؟

۲- چه حقایقی دربارهٔ خدا و نوع بشر از این داستان می‌آموزیم؟

۳- این داستان چه کاربردی در زندگی من دارد؟

علاوه بر آن، شما را تشویق می‌کنیم که در بین داستان‌ها، تکلیف خواندنی نیز انجام دهید. به یاد داشته باشید که این درس، تمام رویدادهای کتاب مقدس را شامل نمی‌شود اما ما می‌توانیم با بعضی از آنها که پایگاه مطالعات آینده را محکم می‌کند شروع کنیم. ماجرا ادامه می‌یابد. اولین داستانی که می‌آموزیم دربارهٔ سه نفر مهمان است که روزی به دیدار ابراهیم و سارا آمدند. این دیدار زندگی آنها را برای همیشه تغییر داد.

تکلیف: پیدایش ۱۸: ۱-۱۵ را بخوانید.

تمرین: حقایق داستان را جستجو کنید...

۱- پیدایش ۱۸: ۱ به نظر می‌رسد که با لحنی واقعی شروع می‌کند. چه کسی به ابراهیم ظاهر شد؟ _____

۲- ابراهیم کجا بود و چه کار می‌کرد؟ _____

۳- چه موقع از روز بود؟ _____

۴- ابراهیم به بالا نگاه کرد (آیهٔ ۲). چه کسی کنارش ایستاده بود؟ _____

۵- وقتی که آنها را دید چه کرد؟ _____

سوالات: بدون شک این سوالات پیش می‌آید. مثلاً:

- این مردان که بودند؟
- آیا ابراهیم آنها را می‌شناخت؟
- طبق آیهٔ ۲، اعمالش مرسوم بود؟

• با هر کس که به ملاقاتش می‌آمد همین طور با او رفتار می‌کرد؟

• شما چه سوالی ممکن است داشته باشید؟

• سوال دیگر شما چیست؟

تمرین ادامه دارد: حقایق بیشتر...

۱- در آیه ۳، ابراهیم چگونه از مردان پذیرایی کرد؟

۲- دعوت و پذیرایی گرمش در آیه ۴ ادامه می‌یابد.

۳- چه مهمان‌نوازی سخاوتمندانه‌ای (آیه ۵)!

بازتاب:

• وقتی که مردم از مکانی به مکان دیگر سفر می‌کردند، انتظار مهمان‌نوازی داشتند. هنگامی که ابراهیم مهمانانش را می‌پذیرد، چه طرز برخورد و رفتاری مشاهده می‌کنید؟

• ابراهیم در مقابل مهمانانش فروتنی نشان داد. به نیازمندی جسمانی آنها توجه کرد و برای شستن پا و کفش آنها که از راه رسیده و خسته بودند، آب مهیا نمود. و پیش از آنکه به سفر خود ادامه دهند، با غذا از آنها پذیرایی نمود. مهمان‌نوازی دیگران را خوشحال می‌سازد. شما چه فکر می‌کنید؟

بخش ۲

تمرین ادامه دارد: باز هم حقایق بیشتری...

۱- توجه نمایید که بعد ابراهیم چه می‌کند؟ از سارا درخواست می‌کند که چه کار کند؟ _____

۲- او گوسالهٔ جوانی را انتخاب می‌کند و به خدمتکارش دستور می‌دهد چه کند؟ _____

۳- علاوه بر آن، چه چیزی برای مهمانان آورد و با غذا به آنها داد؟ _____

۴- ابراهیم غذا را جلوی مهمانان گذاشت و در ضمن اینکه آنها غذا می‌خوردند او چه کار کرد؟ _____

او آماده بود که از مهمانانش پذیرایی کند و مطمئن شود که آنچه لازم دارند به آنها بدهد. مهمان‌نوازش تماماً برای مهمانانش بود. او مشتاق بود هرچه که آنها را خوشحال می‌سازد برای‌شان فراهم آورد.

۵- گفتگو در پیدایش ۱۸: ۹ شروع می‌شود...

الف. آنها چه درخواستی می‌کنند؟ _____

ب. ابراهیم چه پاسخی می‌دهد؟ _____

پ. چه وعده‌ای در آیهٔ ۱۰ وجود دارد؟ _____

۶- تمام این سال‌ها صبر کردند که وعده تحقق یابد. بدن آنها دیگر قادر نبود به وجود آورد و حالا پس از مدت‌ها خداوند به آنها ظاهر می‌شود و به ابراهیم می‌گوید سال آینده در همین موقع سارا پسری به دنیا خواهد آورد. در هنگام این صحبت سارا کجاست؟ (آیهٔ ۱۰) _____

۷- آیهٔ بعد به ما خاطرنشان می‌سازد که تا چه حد غیر ممکن است این وعده انجام گیرد. آیهٔ ۱۱ به ما چه می‌گوید؟ ابراهیم و سارا _____ بودند. سارا _____ بود.

۸- سارا چگونه به این وعده پاسخ داد؟ _____

۹- دربارهٔ وعده‌ای که توسط این مردان رسید، سارا چه فکری می‌کند؟ «بعد از آنکه من _____

_____ هستم؟»

۱۰- پس از آن خدا از ابراهیم پرسید: «چرا او _____؟»

۱۱- سارا دیگر باور نمی‌کرد که انجام این وعده ممکن باشد. پاسخ خدا در مقابل خنده سارا در آیه ۱۴ چه بود؟

۱۲- سپس خداوند اعلام وعده را تکرار می‌کند: «من خواهم _____.»

۱۳- احتمالا برای آنکه شرایط بدتر شود سارا _____ بود (آیه ۱۵) از این رو خنده خود را انکار کرد و به زبان آورد: «من نکردم _____.»

۱۴- اما خداوند او را مسئول عملش دانست و گفت: «_____» خداوند شخصا سارا را مطمئن ساخت که او خداست. سارا «در دل خندید...» فقط خداوند می‌توانست فریاد قلبش را بشنود و او را فرا خواند تا به وعده‌ای که به او و ابراهیم داده است ایمان آورد.

بخش ۳

درباره خدا چه می‌آموزیم؟ در ابتدای این درس به ما گفته می‌شود که در لابلای داستان‌ها به جستجوی حقیقت درباره خدا پردازیم. از این رو سوال می‌شود: «از سرگذشت ابراهیم و سه نفر مهمانی که ملاقات کرد، درباره خدا چه می‌آموزیم؟» دانشمندان کتاب مقدس بر این عقیده‌اند که این سه نفر مهمان، در واقع دو فرشته و خداوند بودند که به صورت انسان وارد شدند. خداوند قابل رویت بود، غذا خورد و با ابراهیم و سارا به صحبت پرداخت.

این برخورد درباره خدا چه می‌گوید؟ به این داستان فکر کنید و نظریات خود را بنویسید.

حال، در پایان خداوند به صورت انسان نزد ابراهیم آمده به او می‌گوید که سارا پسری خواهد داشت. وقتی که او به ابراهیم می‌گوید، سارا از روی ناباوری می‌خندد. این غیر ممکن است. وقتی که خداوند او را برای خنده‌اش بازخواست می‌کند، سارا ترسیده و به دروغ گفتن پناه می‌برد. هرچند که خداوند عمل او را دید، با این حال وعده خود را تغییر نداد. علیرغم ناباوری ابراهیم و سارا، خداوند در انجام وعده خود وفادار می‌ماند.

کاربرد شخصی: قبل از آنکه این درس را به پایان برسانیم، لازم است که به کاربرد شخصی آن که کلام خدا را به زندگی ما ارتباط می‌دهد پی ببریم. باید راه‌هایی را جستجو نماییم که این داستان را خیلی فراتر از یک واقعه تاریخی بیان می‌کند.

۱- می‌بینیم که ابراهیم با سخاوت از مهمانانش پذیرایی کرد. مهمان‌نوازی صمیمانه‌اش نمونه بارزی است. به خاطر دارید که از شخص بسیار مهمی در منزل خود پذیرایی کرده باشید، شخصی که برای شما بسیار اهمیت دارد؟ ممکن است که رئیس شما، معلم و یا مربی شما باشد؛ کسی که برای شما در مقام خیلی بالایی قرار دارد. یا شاید دوست و یا کسی که به عنوان مهمان از شهر دیگری به دیدن شما می‌آید که مدت‌ها او را ندیده‌اید. پذیرایی کردن از کسی که برای ما بسیار مهم است، یک مورد است.

حال، شرایطی را به خاطر آورید که موقعیتی به وجود آمد که باید از یک شخص ناآشنا و یا کسی که چندان آشنایی نداشتید پذیرایی کنید. چه افکاری به سر شما می‌آید؟ آن شخص چه کسی ممکن است باشد؟ چگونه پذیرایی خود را به او نشان دادید؟ آیا به نحوی متفاوت عمل می‌کردید؟

۲- ممکن است که پذیرایی از یک شخص بیگانه را با توجه به عبرانیان ۱۳:۲ به عمل آورید. در این آیه ما تشویق می‌شویم که از بیگانگان پذیرایی نماییم. چه کسی برای شما بیگانه است؟

۳- وقتی که دوباره این داستان را می‌خوانید، به این بیندیشید که خدا کسی است که همیشه به کلام خود وفادار است. خدا پاسخ ما را با محبت بدون قید و شرط خود می‌دهد حتی هنگامی که ما از روی ناپاوری می‌خندیم. کارهای خدا در زندگی ما سرشار از محبت و رحمت است علیرغم ایمان ضعیف یا بی‌ایمانی ما. چه چیزهایی دربارهٔ خدا ممکن است بیاموزید که تصور کنید غیر ممکن است و در ناپاوری و بی‌ایمانی به خود پاسخ می‌دهید و در دل به آن می‌خندید؟

دعا: خدایا، تو کسی هستی که آرزو دارم به قلبم وارد شوی. ابراهیم با فروتنی مهمانان خود را پذیرفت و در خانهٔ خود را به روی آنها گشود که محبت خود را نشان دهد. می‌دانم که تو مرا دوست داشته‌ای و محبت خود را نشان داده‌ای نه به وسیلهٔ کارهایی که انجام داده‌ام یا نداده‌ام، بلکه فقط از روی محبت خالص خود برای من بوده است. در حالیکه یاد می‌گیرم که تو را بشناسم، از تو می‌خواهم که به من ایمان عطا کنی که باور کنم که تو آنچه می‌گویی هستی. و چنان که زندگی می‌کنم، به من ایمان بده که باور کنم «هیچ کاری برای تو دشوار نیست.»

درس چهارم

به خاطر ده نفر

پیدایش ۱۸: ۱۶-۳۳ - ابراهیم، شفاعت کننده

بررسی اجمالی درس ۴

۳۹	بررسی اجمالی درس ۴
۴۰	مقدمه
	درس ۴: پیدایش ۱۸: ۱۶-۳۳
۴۱	• نقشه خدا
۴۳	• دادخواست ابراهیم
۴۵	• خدا، داور عادل
۴۷	• تعریف: شفاعت
۴۸	• کاربردهای درس

مقدمه

درس چهارم درس نسبتاً کوتاهی است، اما تعلیم عملی آن ما را تشویق می‌کند که مردم و شرایط را در دعا به حضور خدا ببریم. دعا وسیله‌ای است که از طریق آن مردم خدا را ستایش می‌کنند، شکر می‌گویند و از نگرانی‌هایشان با او صحبت می‌کنند. دعا کردن موقعیتی برای ما پیش می‌آورد که نگرانی‌های خود را در مورد دیگران ابراز نماییم. عمل دعا کردن برای دیگران، دعای شفاعتی نام دارد.

پسر خواهر ابراهیم در شهر سدوم در جنوب کنعان می‌زیست. شرارت مردم سدوم و گناهان‌شان به قدری زیاد بود که خداوند تصمیم گرفت این شهر را نابود کند. خداوند به ابراهیم گفت که تصمیم دارد شهر را از بین ببرد. اما می‌آموزیم که ابراهیم حاضر نبود که به آسانی با تصمیم خدا موافقت نماید. او با خدا صحبت کرد و به خاطر مردم بی‌گناه نزد خداوند شفاعت کرد. چرا مردم عادل به همراه مردم گناهکار نابود شوند؟ پس از آن ابراهیم با خداوند وارد مذاکره و گفتگو می‌شود. «اگر ۵۰ نفر بی‌گناه وجود دارند... ۴۵ یا ۴۰ نفر وجود دارند» و سرانجام درخواست می‌نماید «حتی اگر ۱۰ نفر وجود دارند...» و خداوند قول می‌دهد که به‌خاطر ۱۰ نفر هم که شده، شهر سدوم را نابود نسازد. ابراهیم می‌دانست که خدا داور تمام زمین است و عدالتش برقرار است.

نویسنده کتاب عبرانیان می‌گوید که ما نیز شفیع نزد خدا داریم. در عبرانیان ۷: ۲۵ می‌آموزیم که «عیسی قادر است آنها را که از طریق او نزد خدا می‌آیند کاملاً نجات دهد، زیرا او زنده است که تا ابد برای آنها شفاعت نماید.» زیرا او یک بار خود را قربانی گناهان ما نمود و از جانب همه ما نزد خدای پدر شفاعت می‌کند. نباید هراسی به دل راه دهیم. شفیع کامل و بی‌گناه ما، به‌خاطر آنچه که برای ما انجام داد که ما قادر نبودیم برای خودمان به‌جا آوریم، برای ما وساطت می‌کند و حالا با شفاعت او ما از کفاره شدن برای گناهانمان آزاد می‌شویم.

اما یک نکته دیگر در مورد این شفاعت وجود دارد. ما که عضوی از خانواده خدا شده‌ایم، این امتیاز را به دست آوردیم و مسئولیم که برای خانواده و دوستانمان نزد خدای پدر به شفاعت دعا کنیم که خدا از روی رحمت و شفقت خود آنچه را که آنها مستحق آن هستند (مرگ ابدی و آتش جهنم) به آنها ندهد. به ما این فرصت داده شده است که در این شکاف به عنوان واسطه و میانجی برای دیگران قرار گیریم. ما فراخوانده شده‌ایم که با آنها دعا کنیم و برای آنها دعا کنیم. همانگونه که خدای پدر عیسی را به عنوان شفیع ما در حضور خداوند به ما بخشیده است، ما را تشویق می‌نماید که با درخواست‌ها، دعاوی و خواسته‌هایمان برای هر دو، ایمانداران و بی‌ایمانان، به حضور او برویم. درخواست ما از خدا این است که دیگران را در پناه محافظت و رحمت خویش قرار دهد.

شرایط ابراهیم را بخوانید، به ویژه وقتی که از خدا می‌خواهد که اشخاص عادل را با گناهکاران نابود نسازد. و در درس ۵ نتایج دعاها و شفاعت او را بیاموزید.

بخش ۱

مقدمه: داستان پیدایش ۱۸ همچنان گزارش می‌دهد که هنگامی که سه تن مهمان ابراهیم آماده ترک کردن او بودند چه اتفاقی افتاد. این حکایت شامل خبر خوب و هم خبر بد می‌باشد. اول خبر خوب... خداوند به سارا و ابراهیم می‌گوید که سال دیگر در همین وقت، سارا پسری به دنیا خواهد آورد. جشن بگیرید! اما درست قبل از خبر بد داستان، گفتگویی بین ابراهیم و خدا صورت می‌گیرد. این داستان رابطه نزدیک آنها را آشکار می‌سازد. مواظب باشید و به درون بینی‌های روابط توجه نمایید.

بار دیگر، در ضمن ادامه این درس به خاطر داشته باشیم که کوشش ما شامل (۱) مشاهده حقایق داستان، (۲) کشف واقعیتی که درباره خدا و بشریت می‌آموزیم و (۳) چگونه کاربرد عملی وقایع تاریخی را با زندگی روزمره خود مرتبط سازیم.

تکلیف: پیدایش ۱۸: ۳۳-۱۶ را بخوانید.

تعلیم: مهمان‌نوازی ابراهیم در چادرش، شرایط را برای سه تن مهمانش آماده ساخت که خبر فرزند وعده را به او و سارا اعلام کنند. حال آنها از زمان ورود پسر جدیدشان خبر داشتند و می‌توانستند با واقعیت انتظار فرزند روبرو شوند. قدرت تخیل خود را به کار ببرید، تصور کنید که سارا اتاق مخصوصی برای نوزاد در نظر می‌گیرد و چند بار به فروشگاه نوزادان می‌رود و وسایل اتاق کودک را تغییر می‌دهد، گهواره مخصوص برای نوزاد می‌گیرد، میزی برای تعویض و تمیز کردن پوشک نوزاد تهیه می‌کند، و تمام جزئیات را در نظر بگیرید- و شاید حتی پوشک نوزاد را برای مصرف هفتگی آماده می‌کند. اعتراف می‌کنم که قدری در این باره زیاده‌روی کرده‌ایم، اما این تصورات کمک می‌کند که داستان را با شرایط مربوط نزدیک کنیم. تا چند ماه آینده، کوچولوی دیگری خواهد آمد که به اندازه نقشه ریختن برای رسیدن این وعده اهمیت دارد.

سه تن مهمان برخاسته و آنجا را ترک کردند. پیغام‌شان را به ابراهیم رسانده بودند و حال بایستی به سفر خود ادامه دهند و کارهای دیگری بود که بایستی انجام می‌شد. آیه ۱۶ می‌گوید: «وقتی که برای رفتن از جا برخاستند، به پایین به طرف _____»... این ضرورت استفاده از نقشه را ایجاب می‌کند که مکان‌ها و فاصله را دریابیم. به اولین نقشه‌ای که در کتاب مقدس وجود دارد نگاه کنید و دریای مرده را ببینید. در قسمت غربی، حدود یک سوم راه به طرف جنوب دریای مرده، می‌توان حبران را یافت. درختان عظیم ممری که در آیه ۱ از آنها نام برده شد در حبران وجود دارد (پیدایش ۱۳: ۱۸ را ببینید). این مکانی است که ابراهیم در آن ساکن بود و سه نفر مهمان او را ملاقات کردند. آیه ۱۶ می‌گوید که مهمانان به طرف پایین به شهر سدوم نگاه کردند. مکان دقیق شهر سدوم معلوم نیست اما دانشمندان بر این عقیده هستند که بیشتر به طرف جنوب در مسیری که احتمالاً آنها نگاه می‌کردند، یا احتمالاً پایین در مسیر بالای تپه.

این آیه اشاره می‌کند که ابراهیم مهمانانش را تا مسافتی به سوی سدوم مشایعت کرد. باز هم مشاهده می‌شود که مهمانانش رفتار و برخورد گرم ابراهیم را که نشان فرهنگ پذیرایی و مهمان‌نوازی بود تجربه کردند.

تمرین: در آیه ۱۷ خداوند بعضی از افکار خود را به ما می‌گوید. گوش فرا دهید که خداوند می‌گوید:

_____ ۱- آیا من خواهم

؟

۲- آیه ۱۸: «ابراهیم بدون تردید یک _____ خواهد شد و _____ ملت، و تمام _____ خواهند یافت.»

۳- آیه ۱۹: «برای آنکه من او را _____ کرده‌ام، که او باشد _____ او گردد.»

۴- در آیه ۲۰ خداوند دربارهٔ سدوم و عموره با ابراهیم صحبت می‌کند. خداوند چه می‌گوید؟

بخش ۲

سوالات:

- ۱- چه تفاوتی بین ابراهیم در پیدایش ۱۸: ۱۸، ۱۹ و سدوم و عموره در آیه ۲۰ و ۲۱ وجود دارد؟
- ۲- خداوند ابراهیم را برگزیده بود، برکت داد، و توسط او اهداف عادلانه‌اش را به انجام رسانید. خداوند به ابراهیم سرزمین، نسل و اعقاب و ثروت بخشید. و از همه مهم‌تر، رابطه‌ای برقرار کرد که با ابراهیم عهد بست که خدای او و خدای اسلاف او باشد (پیدایش ۱۷: ۷). طبق پیدایش ۱۸: ۲۱-۱۷، جواب خداوند به سوال خویش چه بود؟
- ۳- اگر شما جای ابراهیم بودید، به این گونه در ذهن خداوند قرار گرفتن برای تان چه معنی داشت؟

تمرین ادامه دارد: دو تن از مهمانان جدا شده و به سفر خود به سوی سدوم ادامه دادند.

- ۱- آیه ۲۲: ولی درباره ابراهیم چه می‌آموزیم؟ «ابراهیم _____»
 - ۲- آیات ۲۳-۲۱ شجاعت ابراهیم را نشان می‌دهد که از نگرانی‌اش با خداوند سخن می‌گوید. اول، سه سوال مطرح می‌کند:
الف. _____ ؟
ب. _____ ؟
پ. _____ ؟
- ابراهیم می‌دانست که خدا عادل است و «داور تمام روی زمین» (آیه ۲۵). او هم به عادل بودن و هم قدوسیت خدا اعتراف می‌کند و به گفتگو با خداوند ادامه می‌دهد.

الف. «انجام _____ از تو بعید است. از تو بعید است!»

ب. « _____ نخواهی کرد؟»

- ۳- چرا ابراهیم آنقدر نگران سدوم بود؟ پیدایش ۱۳: ۱۳-۱۰ را دوباره بخوانید. _____
- ۴- در آیه ۲۶، خداوند به عنوان داور عادل به ابراهیم پاسخ می‌دهد. خداوند چه می‌گوید؟ _____

در آیه ۲۷ می‌بینیم که ابراهیم از شرارت‌های شهر سدوم هراس دارد اما هنوز برای پسر برادر خود، لوط، نگران است. مشاهده کنید که چگونه ابراهیم با فروتنی به حضور خدا می‌رود و می‌گوید: «بین، من به انجام _____

شروع کرده‌ام.»

۵- سوالات او در آیه ۲۸ چیست؟

الف. _____

ب. _____

۶- و خداوند پاسخ می‌دهد، «اگر پیدا کنم _____.»

۷- آیه ۲۹: گفتگو ادامه می‌یابد و خداوند قول می‌دهد که اگر فقط _____ پیدا شوند، سدوم را نابود نخواهم کرد.

۸- آیه ۳۰: کسی که خود را با فروتنی چون خاک و خاکستر می‌داند، با شجاعت دوباره درخواست می‌کند که خدا از او خشمگین نشود و می‌گوید: «فرض کنیم اگر _____ پیدا شوند؟»

۹- آیه ۳۱: ابراهیم می‌پرسد: «اگر فقط _____ بتوان آنجا جست؟»

۱۰- آیه ۳۲: سپس ابراهیم درخواست می‌کند که یک بار دیگر صحبت کند. «فرض کنیم _____ آنجا بتوان یافت؟» و خدا پاسخ می‌دهد _____

گفتگوی شان خاتمه می‌یابد. خداوند جدا شده، ابراهیم به خانه بر می‌گردد.

بخش ۳

درباره خدا چه می‌آموزیم؟ تازه بررسی حقایق مربوط به گفتگوی ابراهیم با خدا را در مورد حفظ کردن یا نابود کردن سدوم را به پایان رساندیم. بنابراین می‌پرسیم: درباره خدا از این داستان چه آموختیم؟ ابراهیم به ما می‌گوید که خدا کیست. دوباره پیدایش ۱۸: ۲۵ را بخوانید. او خدا را داوری می‌خواند که هرآنچه انجام می‌دهد درست است. خدا هم عادل است و هم قدوس. اوست که اعلام می‌دارد نوع بشر گناهکار یا بی‌گناه است. او تنها کسی است که قادر است این کار را بکند. همه ما گناهکار و از جلال خداوند قاصریم (رومیان ۳: ۲۴).

ابراهیم اعتراف کرد که خدا داور عادل است و کسی است که می‌تواند خشم خود را در مورد گناهان بر ما بریزد و یا فیض خود را (چیزی که ما شایستگی آن را نداریم) و رحم و بخشش (چیزی که ما شایسته آن نیستیم) خود را نشان دهد. همچنین ابراهیم قدوسیت خدا را دریافت و اعتقاد داشت که خدا تنها کار درست را انجام می‌دهد زیرا قدوسیت و عدالت بخشی از شخصیت وجودی خداوند است. قدوسیت و عدالت در دی. ان. ای یا بنیاد وجودی خداست و نمی‌تواند آن را در وجود خود انکار نماید.

بازتاب:

۱- در نظر بیاورید زمانی که در شرایطی بودید که حق داشتید به رابطه‌ای خاتمه دهید، زیرا شخصی که با او در رابطه بودید به شما خیانت نمود، یا شاید به نام شما بی‌احترامی نمود، یا به نحوی شما را ناراحت کرد.

طبق قانون شما حق دارید که رابطه خود را قطع کنید احتمالاً آن شخص را به دادگاه ببرید. اما این نماینده از شما درخواست می‌نماید که حقیقتی که را درباره خود می‌دانستید انکار نکنید و به شما التماس می‌کند که به جای آنکه مقصر را به دست قانون بسپارید، او را ببخشید و بپذیرید.

۲- می‌دانیم که قانون و عدالت ضرورت دارد. به طور مثال، وقتی که قانون‌شکنی می‌کنیم به برقراری قانون نیازمندیم. و همچنین می‌دانیم که گاه‌گاهی تخلف می‌کنیم. اطمینانی که در رابطه‌مان وجود دارد از بین ببریم و یا با کسی بدرفتاری می‌نماییم. هنوز، همه ما احتمالاً اوقاتی را تجربه کرده‌ایم که علیرغم اعمال ما، دوست یا همسر و یا حتی همکار ما با عملی محبت‌آمیز به ما پاسخ داده است. ما از روی خودخواهی عمل کردیم و مستحق انجام عدالت بودیم. بدون شک ما شایستگی محبت و بخشش آنها را نداشتیم.

کاربرد: وقتی که روابط زندگی خود را در نظر می‌گیرید...

- زمانی را به خاطر آورید که حق داشتید در مورد کسی طبق قانون عمل کنید، اما سرانجام محبت و بخشش از خود نشان دادید.
- به خاطر آورید که طرف مقابل شما چه کسی بود.

- داستان را از سوی خود و از سوی آنها بررسی کنید.
- دربارهٔ چگونگی پایان داستان بیاندیشید. شما حق داشتید که عدالت را به کار ببرید، اما انتخاب کردید که ببخشید. آیا حرفی و یا عملی دیگر انجام می‌دادید؟

دعا: خداوندا، از تو سپاسگزارم که خدایی عادل هستی. تو جهان را با عدالت خود برقرار می‌سازی. به من یادآوری می‌شود که طبق عدالت تو من گناهکارم، اما تو با رحمت خود، بخشش و محبت به من نشان دادی. از تو سپاسگزارم که مرا بخشیدی و به من موقعیتی دادی که محبت و بخشش تو را به دیگران بدهم.

بخش ۴

تعلیم: در این داستان، ابراهیم نقش عمده‌ای دارد زیرا برای مردم سدوم و به ویژه برای برادرزاده خود لوط نزد التماس می‌کند. ابراهیم به شفاعت برای دیگران، مشخصاً مردم سدوم و لوط و خانواده‌اش برخاست.

تعریف: شفاعت - به معنی عمل آمدن به حضور خدا از جانب دیگران برای درخواست دیگران. در اول تیموتائوس ۱:۲، همه ما تشویق می‌شویم که شفیع باشیم، آنها که از جانب دیگران به حضور خداوند می‌روند.

کاربرد: یکی از کاربردهای این حکایت ما را تشویق می‌کند که برای دیگران در حضور خداوند میانجی‌گری یا شفاعت کنیم. دوستانی که بیمارند، در سختی‌های زندگی قرار دارند، کار و شغل خود را از دست داده‌اند، و یا با مشکلات دیگری از قبیل فرزندی که از خانه فرار کرده‌اند، می‌توانند نمونه‌ای از اوقات تلخ و سختی داشته باشند که ما می‌توانیم به عنوان شفیع نزد خدا رفته برای نگرانی‌ها و ناراحتی‌های آنها دعا کنیم.

۱- چه کسی در زندگی من وجود دارد که من می‌توانم شفاعت کنم؟ _____

۲- چه نگرانی و درخواستی را می‌توانید از جانب آن شخص به حضور خدا ببرید؟ _____

۳- چه چیزی درباره نگرانی این شخص می‌خواهم از خدا درخواست کنم؟ _____

عمیق‌تر بکاویم: در رومیان ۸: ۲۶-۲۷، آرامش عظیمی می‌یابیم. زیرا می‌دانیم که روح خدا برای ما شفاعت می‌کند. روح خدا از نگرانی‌های ما آگاه است و نیز از اراده خدا برای ما با خبر است و به عنوان شفیع ما برای ما دعا می‌کند. حتی هنگامی که ما نمی‌دانیم برای چه دعا می‌کنیم. در دفتر یادداشت خود افکار خود را درباره آرامشی که از شفاعت روح‌القدس نزد خدا در دل احساس می‌کنید، بنویسید.

حفظ کردن: ما احتیاج داریم که همواره به خاطر داشته باشیم که روح‌القدس از جانب ما شفاعت می‌کند. این امر به ما اطمینان و آرامش می‌دهد. این دو آیه را (رومیان ۸: ۲۶-۲۷) روی کارت‌های خود بنویسید و به حافظه بسپارید. این آیات را به صورت جمله و عبارت از هم جدا کنید.

۱- آیه ۲۶ به ما چه می‌گوید؟

الف. کجای این آیه به ما می‌گوید که روح‌القدس ما را یاری می‌دهد؟ _____

ب. آیا همیشه می‌دانیم که برای چه چیزی دعا می‌کنیم؟ _____

پ. وقتی که افکارمان پراکنده است، روح‌القدس برای ما چه می‌کند؟ _____

۲- آیه ۲۷ به ما چه می‌گوید؟ چرا هرگز نباید بترسیم؟ _____

بخش ۵

کابرد شخصی:

۱- چه عواملی باعث ناراحتی شما می‌شود که احساس می‌کنید در مشکلات غرق شده‌اید؟ افکاری که باعث می‌شود احساس کنید در شرایط غیرممکنی قرار گرفته‌اید کدامند؟

۲- تا چه حد احساس آرامش می‌کنید که بدانید روح خدا از درون شما آگاه است و بیشتر از خود شما از افکارتان آگاهی دارد؟

۳- چه فرقی می‌کند اگر بدانید که در رابطه با افراد مشکل‌ساز، شرایط سخت، و اوقات بسیار دشوار، در زندگی روح خدا برای شما شفاعت می‌کند؟

۴- چگونه خود را برای شرایط دشوار بعدی که بدون شک پیش خواهد آمد، آماده می‌سازید؟

تعلیم: به حضور خداوند رفتن برای شفاعت کردن برای دیگران یک امتیاز محسوب می‌شود. ابراهیم با شهامت به خدا التماس نمود. او اعتراف کرد که چیزی جز خاک و خاکستر نیست و به درخواست خود برای رحم خداوند ادامه داد. هرچند که گناهان مردم سدوم و عموره به قدری زیاد بود که خدا بر آنها خشم گرفت، اما ابراهیم یقین داشت که می‌تواند احساس خدا را عوض کند و فکر او را تغییر دهد. او رابطه بسیار نزدیکی با خدا داشت. رابطه ابراهیم با خدایی که می‌توانست او را نابود سازد، رابطه با همان کسی بود که به فریاد ابراهیم برای رحمت و بخشش دیگران گوش داد.

دعا: ابراهیم شجاعانه اما با فروتنی به حضور خداوند آمد. پس با شجاعت و فروتنی دعاهای خود را نزد خداوند بیاورید. سخنان ستایش‌گرانه خود را به سوی خداوند برافرازید، و با شکرگزاری، درخواست‌های خود را بیان کنید:

شخص معین یا شرایطی را در نظر آورید و از جانب آن شخص یا شرایط نزد خدا شفیع باشید. امروز، خداوندا، من به _____ فکر می‌کنم. دعا می‌کنم که _____

درس پنجم

فریادها بلند است

پیدایش ۱۹ – نابودی سدوم و عموره

بررسی اجمالی درس ۵

۴۹	بررسی: پیدایش ۱۹
۵۰	مقدمه
	درس ۵: پیدایش ۱۹
۵۱	• فرشتگان وارد سدوم می‌شوند
۵۲	• دیدارهای نامطلوب مردم شهر
۵۵	• اقدامات فوری
۵۸	• خدا، عادل و رحیم
۵۹	• عمیق‌تر بکاویم: رومیان ۱: ۳۲-۱۸

مقدمه

در این درس به روشنی مشاهده می‌کنیم که خشم خدا بر مردم شرور و گناهکار سدوم و عموره ریخته شد. این سرگذشتی تاسف‌انگیز است زیرا عدالت خداوند قدوس را به طور آشکاری نشان می‌دهد. او هیچ ترحمی بر مردم این شهرها ندارد. فرشتگان به عملی بسیار عالی دست زدند. فرشتگان به لوط اخطار کردند: «بشتاب و گرنه نابود خواهی شد.» وقتی لوط در عمل تردید داشت مردان دست‌های او را گرفته و از شهر بیرون بردند. لوط، همسرش و دخترانش نجات یافتند. داوری بر سدوم و عموره قرار گرفت، اما لوط و خانواده‌اش مورد لطف خدا قرار گرفتند.

درس گذشته نشانگر فیض خداوند نسبت به ابراهیم بود که دعایش را در مورد لوط، خانواده و شهرهای سدوم و عموره پاسخ داد. در درس ۵ عدالت خداوند را می‌بینیم که چگونه این شهرها را به خاطر شرارت و خشونت‌شان نابود می‌سازد هنگامی که فریاد شکایت از آنها به آسمان بلند می‌شود. همچنین عمل نجات‌بخش خدا را در مورد لوط و خانواده‌اش می‌بینیم. خداوند از شدت گناهان مردان سدوم تعجب کرد، اما محبتش برای آنها که برای ابراهیم عزیز بودند، غلبه نمود و به وعده خود به ابراهیم وفادار ماند.

بخش ۱

مقدمه: پیدایش ۱۹ فصل ناراحت کننده‌ایست زیرا محتوای آن پر از جنگ و ستیز مردم است و باید به خاطر داشته باشیم که هدف از این درس و مطالعه، بحث و مجادله به نفع یا ضرر موقعیتی خاص نیست بلکه هدف آگاهی یافتن از نوشته‌های کتاب مقدس با تمرکز به اینکه هدف کلام خدا برای ما چیست؟

تکلیف: پیدایش ۱۹: ۱-۲۹ را بخوانید.

تمرین: در انتهای پیدایش ۱۸ می‌خوانیم که پس از آنکه گفتگو بین ابراهیم و خدا خاتمه یافت، خداوند او را ترک کرد و ابراهیم به خانه رفت. هر چند که نمی‌دانیم خدا کجا رفت، از پیدایش ۱: ۱۹ پی می‌بریم که دو فرشته وارد سدوم شدند.

۱- بر طبق آیه ۱ چه ساعتی از روز بود؟ _____

۲- با چه کسی روبرو شدند؟ _____

۳- آن مرد کجا بود؟ _____

۴- اولین عکس‌العمل لوط پس از دیدن آنها چه بود؟ _____

دروازه شهر مکانی معمولی برای دیدار مردان شهر بود. در پیدایش ۱۸: ۱ در می‌یابیم که ابراهیم دم در چادرش نشسته است.

۵- مهمان‌نوازی که لوط انجام داد، مانند مهمان‌نوازی ابراهیم بود. در آیه ۲ لوط چگونه از آنها پذیرایی کرد؟

سوال:

۱- فکر می‌کنید که لوط آنها را شناخت؟ چگونه شناخت؟ و یا چرا نشناخت؟ _____

۲- بلافاصله ظاهر شد و با سخاوتمندی از آنها پذیرایی نمود. فکر می‌کنید به نظر می‌رسد که لوط مشتاقانه اصرار داشت که آنها در خانه‌اش اقامت کنند؟ چرا؟ و چرا نه؟ _____

در آیه ۳ چه می‌گویند؟ _____

۳- مکالمه خدا و ابراهیم را در فصل گذشته به خاطر داشته باشید. آیا سدوم و عموره شهرهایی هستند که شما
مایلید فرزندان خود را در آن پرورش دهید؟ (پیدایش ۱۸: ۲۱-۲۰) چرا و چرا نه؟

مسائل نادرستی در این جا اتفاق می افتد. ضمن اینکه به مطالعه خود ادامه می دهید، هوشیار و مراقب باشید.

بخش ۲

تمرین:

۱- آن دو تن چگونه به دعوت لوط به خانه‌اش پاسخ دادند؟

۲- در آیه ۳ از کجا می‌دانیم که لوط با آن نظر موافق نبود؟

۳- لوط باز هم از فرشتگان مهمان‌نوازی می‌کند. چه چیزی برای آنها تدارک دید؟

۴- در مورد اتفاقاتی که رخ می‌دهد، هشدار وجود دارد زیرا گفته می‌شود نانی که به آنها داد بدون

ساخته شده بود. احساس می‌شود که لوط با نوعی شتاب و عجله رفتار می‌کند. نانی که بدون خمیر ترش درست می‌شود احتیاجی به صرف زمان برای آماده شدن ندارد. این غذا را با غذایی که ابراهیم برای آنها تدارک دید مقایسه کنید (پیدایش ۱۸: ۶) و آیات زیر:

۵- آیه ۴: قبل از خواب چه کسی به ملاقات آمد؟

۶- آنها از این مردان چه می‌خواستند؟ (آیه ۵) «
بیاور.»

در پیدایش ۱۳: ۱۳ می‌آموزیم که مردان شهر سدوم

در فصل ۱۹ از گناهان و شرارت آنها آگاه می‌شویم.

سوالات بازتابی:

۱- ممکن است احساس شود که عملیات این مردان بخشی از فرهنگ مقبول شهر سدوم بود. مشخصاً شهر عموره هیچ تفاوتی با آن نداشت. شرایط این مردان را با اعمال گناه‌آلودشان توصیف کنید. آیا این خصوصیات در خانواده و فرهنگ اجتماعی جا گرفته بود؟

۲- اگر شما در این لحظه از داستان به جای لوط بودید، چه کار می‌کردید؟ این مردان مهمانان شما هستند، به خانه شما آمده‌اند که با شما غذا بخورند و شب را در خانه شما بگذرانند. می‌دانید که خارج از خانه شما مردانی هستند که خانه را احاطه کرده و قصد دارند با مهمانان شما از روی شرارت و گناه عمل کنند. چگونه به آنها جواب می‌دهید؟

تمرین:

۱- لوط از خانه بیرون رفته با مردان مقاومت می‌کند. آیه ۶ از دو مورد پرده بر می‌دارد، که لوط می‌گوید و انجام می‌دهد که باعث می‌شود ما اخلاق و رفتار لوط را زیر سوال ببریم. لوط برای ملاقات آنها بیرون رفت و «_____»
«_____»

۲- آن عمل چه چیزی را به شما نشان می‌دهد؟ _____

۳- چگونه با آنها صحبت می‌کند؟ _____

۴- در آیه ۷ لوط چه پیشنهادی به آنها می‌دهد؟ _____

سوالات بازتابی:

۱- لوط برگزید که در سرزمین سدوم و عموره زندگی کند. وقتی که او و ابراهیم گله‌هایشان را از هم جدا کردند، لوط اموال و احشام و خانواده‌اش را به این سرزمین نقل مکان داد که زمینی سبز و خرم بود و چراگاه‌های بسیاری برای حیواناتش داشت. از آیات ۶ و ۷ به طور آشکار می‌فهمیم که لوط با مردمی آشنا شده است که آنها را دوست خود می‌نامد. علاوه بر آن، می‌توانیم حدس بزنیم که او با راه‌های گناه و شرارت آنها آشنایی داشت، زیرا بیرون رفت و در را پشت سر خود بست تا وقتی که با آنها صحبت می‌کند، مهمانانش گفتگو و مذاکره را نشنوند. چه افکاری یا مشاهداتی درباره شخصیت لوط به ذهن شما خطور می‌کند؟ _____

۲- چطور ممکن است پدری دختران باکره خود را به این مردان بدهد و بگوید آنها می‌توانند «هرکاری می‌خواهند با آنها انجام دهند»؟ پدری که مسئولیت محافظت و مراقبت از دخترانش را به عهده دارد. لوط محافظت را برای مهمانانش به بهای از دست دادن دخترانش فراهم ساخت. در عین حال شاید فکر کنیم که راه و رسم فرهنگی آنها این بود. مهمانی که به خانه کسی وارد می‌شود تحت هرگونه مراقبت و محافظت در آن خانه

قرار می‌گیرد و ممکن است هر عملی در جهت این محافظت انجام شود. چه افکار دیگری از مشاهده اعمال و شخصیت لوط در این موقعیت ممکن است در سر داشته باشید؟

بخش ۳

تمرین: در مرحله بعد با عمل زورگویی و تهاجمی مردان خارج از خانه لوط مواجه می‌شویم. به شیوه عمل کردن آنها به دقت توجه کنید:

۱- آیه ۹ می‌گوید: آنها پاسخ دادند «عقب بایست» و آنها گفتند «این مرد (لوط) آمد به _____، و او _____ شده است! حالا ما می‌خواهیم _____ بدتر از این با شما عمل کنیم.» آیه ۹ در ادامه می‌گوید که آنها همچنان لوط را تحت فشار قرار دادند و «_____».

۲- چه شیوه عملکردی در آیه ۹ داشتند که به مقصود خود برسند؟ _____ آنها لوط را محکوم کردند که آنها را قضاوت می‌کند و وانمود می‌کند که رفتاری بهتر از آنها دارد. مردم شهر لوط و خانواده‌اش را هرچند که بیگانه بود پذیرفته بودند. و حالا می‌دیدند که او راه و رسم فرهنگی آنها را نمی‌پذیرد و دستور آنها را برای بیرون آوردن مهمانانش به جا نمی‌آورد. لوط به آنها پاسخ داد که آنچه آنها می‌خواهند انجام دهند نادرست است. آیا آنها فکر کردند که لوط دو رو و ریاکار است؟ به آنچه که می‌گوید عمل نمی‌کند؟ _____

۳- مردانی که داخل خانه لوط بودند حالا وارد عمل می‌شوند (آیات ۱۰ و ۱۱). آنها چه می‌کنند؟

الف. _____ بیرون.

ب. و _____ لوط _____ و _____

پ. _____ در را _____

ت. بعد آنها _____

۴- در آیه ۱۲ از لوط چه می‌خواهند؟ _____

۵- چه راهنمایی به لوط می‌کنند؟ _____

۶- به لوط می‌گویند که چه کار خواهند کرد؟ _____

۷- چرا می‌خواهند آن را نابود کنند؟ (آیه ۱۳) _____

۸- بنابراین، لوط جدا می‌شود که به جستجوی دامادهای آینده‌اش برود. به آنها چه می‌گوید؟ _____

۹- پاسخ آنها چیست؟

۱۰- سپیده دم می رسد و فرشتگان با شتاب عمل می کنند (آیه ۱۵) چه دستوراتی به لوط می دهند؟

۱۱- لوط چگونه پاسخ می دهد؟ (آیه ۱۶)

۱۲- سرانجام فرشتگان چه کار می کنند که او و خانواده اش پاسخی بدهند؟

۱۳- فرشتگان آنها را با امنیت از شهر بیرون آوردند و دستورات فوری به آنها دادند. به آنها چه گفتند؟

الف. _____

ب. _____

پ. _____

ت. _____

۱۴- در آیات ۱۸-۲۲ گفته می شود که لوط به دلایلی از فرشتگان درخواست نمود که به آنها اجازه دهند که در شهر کوچک _____ پناه ببرند. شاید تصور شود که لوط از نظر سلامتی و یا به علت بالا بودن سن، قبل از وقوع ویرانی قادر نیست به کوهستان برسد. فرشته چه وعده ای به او می دهد؟

۱۵- آیه ۲۳: سپیده دم فرا رسیده است. لوط از خطر گذشته و در سوغر پناه یافته و پس از آن شهر ویران شد. اولین عکس العمل شما چیست؟

۱۶- در آیه ۲۴ داوری و خشم خدا بر مردم سدوم و عموره فرو ریخت. چه بارانی فرود آمد؟

۱۷- همه جا ویران گشت. خداوند آن شهرها را ویران ساخت. ویرانی سرتاسر دشت را فرا گرفت. تمام مردم و مزارع و باغ های این سرزمین نابود شد. در پیدایش ۱۸: ۳۲ خدا چگونه به عهد خود وفا نمود؟

۱۸- سپس به آیه ۲۶ می‌رسیم. دستورات فرشته در آیه ۱۷ چه بود؟
همسر لوط چه کرد و پس از آن چه اتفاق افتاد؟
۱۹- در آیات ۲۷-۲۸ ابراهیم را در شرایطی مشاهده می‌کنیم که برای افراد عادل با خداوند وارد مذاکره می‌شود.
هنگامی که ابراهیم به سوی سدوم و عموره نگاه کرد چه چیزی دید؟

۲۰- آیه ۲۹ به سادگی تمام فصل را خلاصه می‌کند:

الف. خدا شهرهای آن دشت _____ .

ب. خدا _____ ابراهیم.

پ. خدا _____ لوط _____ از آشفتگی و به هم ریختگی
شهرهایی که لوط در آنها زندگی کرده بود.

بخش ۴

درباره خدا چه می‌آموزیم؟ آیه ۱۶ با کلمات مهمی پایان می‌یابد: «خدا _____»

کلمه بخشنده معنی عمیقی دارد. چنانچه به خاطر دارید، رحم و بخشش یعنی دریافت آنچه که شایستگی آن را نداریم. لوط با فرهنگ شهری که در آن می‌زیست جا افتاده بود. احساس می‌شود که هرچند که لوط با مردم شرور آنجا در ارتباط نبوده، به نظر می‌رسد که چشم و گوش خود را نسبت به اعمال آنها بسته و زندگی آن اجتماع را که با هرج و مرج در رابطه جنسی صورت می‌گرفته پذیرفته بود. این اعمال ناشایست را هر چند نه برای خود، اما برای دیگران مورد قبول او بود. خداوند با رحم و بخشش خود برای لوط و خانواده‌اش وساطت می‌کند که مبادا لوط شخصا اقدام کند و سرانجام از این نحوه زندگی پشتیبانی نماید. برای مرجع بیشتر رومیان ۱: ۳۲ و ۲: ۱۶ را بخوانید و به عمیق‌تر بکاویم در بخش ۵ مراجعه نمایید.

می‌بینیم که داوری خداوند توسط سلاح خشم او بر شرارت فرود می‌آید و فیض خداوند که محبت رایگان اوست بر مردمی که در رابطه محبت‌آمیز با او قرار می‌گیرند ریخته می‌شود. فیض خداوند حتی بر کسانی که از رابطه نزدیک با خداوند دور بوده‌اند قرار می‌گیرد. خداوند وعده‌های خود را به یاد می‌آورد و نیز رحم و بخشش او را در عمل می‌بینیم چنانکه تصمیم گرفت نوع بشر را از مرگی که شایستگی آن را داشت نجات دهد و رهایی بخشد.

پرسش‌های کاربردی:

۱- خدا رحیم است. چه موقع رحم و شفقت خدا را تجربه کردید؟ _____

۲- خداوند اغلب رحم و بخشش خود را از طریق دیگران به ما می‌دهد. تجربه شما در چه موردی بوده است؟
زمانی را به خاطر آورید که شما موقعیتی داشتید که با صرف نظر کردن از آنچه که شخصی سزاوار آن بوده است،
محبت خدا را با دادن آنچه که شایسته نبود، نشان دادید. _____

۳- زمانی که آن شرایط را به خاطر می‌آورید چه افکار و احساساتی در شما به وجود می‌آید؟ _____

بخش ۵

عمیق تر بکاویم: در پیدایش ۱۹: ۳۸-۳۰ می‌توانیم بقیه داستان لوط و دخترانش را بخوانیم. در این داستان از تفسیرهای رضایت‌بخش و مثبت درباره زندگی لوط، اثری نیست. پس از آنکه دختران پدر را مست می‌کنند، از او باردار شده و فرزندان قبیله موآبی و عموری‌ها را تشکیل می‌دهند. دو قبیله‌ای که سال‌ها بعد زمانی که اسرائیلی‌ها به سرزمین موعود سفر کردند، کینه ورزیدند.

قسمت دیگری از کتاب مقدس که درباره شرارت موجود در پیدایش ۱۹ دیده می‌شود، در رومیان ۱: ۱۸ تا ۲: ۱۶ می‌باشد. این بخش نیز از مطالبی با خصوصیات مثبت، دلپذیر و جالب صحبت نمی‌کند اما قابل توجه است. این قسمت با قوم زمان ابراهیم و لوط صحبت می‌کند؛ با اشخاصی که در قرن اول در زمان پولس می‌زیستند، و همچنین با ما که در سال‌های قرن ۲۱ به سر می‌بریم سخن می‌گوید. حکایات در شهر سدوم و عموره در پیدایش ۱۹ و روایاتی که در رومیان ۱ و ۲ می‌خوانیم، هر دو به ویژه درباره گناهان در روابط جنسی صحبت می‌کند. دور گناهانی که در رومیان ذکر شده، تنها محدود به گناهان جنسی نیست بلکه در مورد انواع گناهان است. نمونه رفتار و شیوه تداوم از مرحله بی‌تفاوتی و طاعت آوردن تا مرحله پذیرش و سرانجام حمایت کردن از سایر امور اخلاقی را تشخیص دهید. _____

با استفاده از پیدایش ۱۹ و رومیان ۱ و ۲ بر داوری خداوند و نیز رحم و بخشش او در دوران اولیه کلام و در زمان حاضر تامل و فکر کنید. آیا عقیده دارید که این کلام خدا از واقعیت برای شماست؟ _____

دعا: خدای عظیم‌الشان، تو محبت خود را در نجات لوط و خانواده‌اش از نابودی و ویرانی که بر سدوم و عموره رخ داد، نشان دادی. گاهی اوقات خود را در کشاکش بین قدرت شیرین و محبت قدرتمند و پایداری که تو نشان دادی می‌بینم. پی می‌برم که مرا نجات دادی، دست مرا گرفتی و مرا از آن همه قدرت‌هایی که در تلاش بود به عقب ببرد، دور ساختی. از رحم و محبت تو سپاسگزارم. تو را برای کلام حقیقت شکر می‌کنم. تو را سپاس می‌گویم که این امتیاز را به من بخشیدی که برای آنهایی که تو را هنوز نمی‌شناسند دعا کنم. به آنها رحم نما و یاری‌شان ده. به خصوص درباره این فکر می‌کنم: _____

درس شش

بره کجاست؟

پیدایش ۲۱-۲۲ - قربانی

بررسی اجمالی درس ۶

۶۰	دوره: پیدایش
۶۱	مقدمه
	درس ۶: پیدایش ۲۱-۲۲
۶۲	• تولد اسحاق
۶۲	• خداوند ابراهیم را آزمایش می کند
۶۴	• تعریف: ترس
۶۶	• عیسی، آن هدیه
۶۸	• ابراهیم و قربانی اسحاق
۷۰	• ابراهیم از طریق ایمان...
۷۴	دوره بخش

مقدمه

خندیدن بیان بسیار زیبایی از عواطف است که خداوند به انسان بخشیده است. ما درباره بسیاری از چیزها و به طرق بسیار متفاوتی می‌خندیم. خندیدن نشان شوخ طبعی است. خوشی موجب خنده ما می‌شود. غافلگیر شدن، محبت، جشن گرفتن و خبر خوب باعث خنده ما می‌شود. خنده موجب می‌شود احساس خوبی داشته باشیم و به بدن ما سلامتی می‌بخشد.

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که زمانی برای خنده و زمانی برای گریه وجود دارد (جامعه ۳: ۴). حتی خدا می‌خندد. او بر آنهایی که از روی ناباوری بر او و مسح شده او طعنه می‌زنند (مزمور ۲: ۴) و بر آنهایی که بر ضد عدالت او توطئه می‌کنند می‌خندد (مزمور ۳۷: ۱۳). خنده می‌تواند مجموعه‌ای از پیام‌های بی‌اهمیت و نه چندان بی‌اهمیت بی‌شماری در برگیرد.

خنده در داستان اسحاق بسیار جالب است. در پیدایش ۱۷ دوبار از خنده گفتگو شده است. هنگامی که خدا به ابراهیم گفت که سارا مادر امت‌ها می‌شود، ابراهیم با صورت به زمین افتاد و با خود خندید. خدا گفت که سارا پسری به نام اسحاق به دنیا می‌آورد که نام او به معنی "او می‌خندد" می‌باشد. در فصل ۱۸ می‌خوانیم که وقتی که مهمانان به سارا که پشت در چادر ایستاده بود، گفتند صاحب پسری می‌شود، با خود خندید، زیرا فکر کرد «حالا که من پیر و خسته‌ام و شوهرم هم پیر است، حالا این شادمانی را به دست می‌آورم؟» پس از تولد اسحاق که پدرش نام را بر او نهاد، سارا گفت: «خدا برای من خنده آورده است، و هر کس که در این باره بشنود با من خنده خواهد کرد.» همه ما باید بپذیریم که بر هرچه غیر ممکن است می‌خندیم حتی اگر خدا آن را تعیین کرده باشد. ما به آنچه که باور نکردنی است می‌خندیم زیرا از نقطه نظر انسانی غیر ممکن است که زن و شوهری در سن ۹۰ و ۱۰۰ سالگی صاحب فرزند شوند. ابراهیم و سارا هر دو خندیدند زیرا می‌دانستند که هیچ کاری از آنها ساخته نیست. ما هم به ناامیدی خودمان می‌خندیم و نامش را حماقت می‌گذاریم. زنی مشتاق است که مادر بشود. مردی مایل است پدر شود. دختری خواستار شوهری پارساست. پسری جویای مهر و محبت زنی پارساست.

علیرغم خنده‌های ناباورانه ما، وعده خداوند به تحقق پیوست و سرانجام اسحاق زاده شد. البته که خنده شادمانی و اشک شوق به چشمان پدر و مادر آورد. اسحاق همانطور که از نامش بر می‌آید، از جانب خداوند خنده و شادمانی به خانه این والدین جدید آورد. و ما هم دعوت داریم که با آنها بخندیم. سال‌های سال مردم با سارا خندیدند. به خنده در زندگی خودتان فکر کنید. خداوند لحظات غیر ممکن شادمانی به زندگی من و شما می‌آورد، لحظاتی که انتظارش را نداشتیم که غیر عادی و حتی باورش غیر ممکن بود. اطراف خود را نگاه کنید و برای دلایلی که خداوند از طریق دیگران به زندگی شما شادمانی می‌دهد جشن بگیرید. به خاطر داشته باشید که خدا هم می‌خندد!

بخش ۱

مقدمه: حال به داستان ابراهیم و سارا ادامه می‌دهیم. خداوند وعده می‌دهد که نه تنها آنها صاحب نسلی خواهند شد، بلکه ظرف مدت یک سال سارا باردار شده و پسری خواهد آورد. داستان در پیدایش ۲۱ ادامه می‌یابد. در این درس بر پیدایش ۲۱: ۱-۷ و ۲۲: ۱۹-۱ تمرکز داریم. تمام این دو بخش را تا آخر بخوانید و ضمن خواندن، سوال کنید. به طور مثال، شخصیت‌ها کیستند و چه کار می‌کنند؟ سوالات را با چه کسی، چه چیزی، کجا، کی، و چرا شروع کنید. این کلمات کمک می‌کنند که حکایات صورت واقعی بیابند.

تمرین: مدت طولانی با ابراهیم و سارا انتظار کشیدیم که کلمات پیدایش ۲۱: ۲-۱ را بشنویم. خداوند از روی محبتش وعده خود را در مورد سارا انجام داد.

۱- طبق آیه ۲ خدا دقیقاً چه کرد؟ _____

۲- ابراهیم او را چه نامید؟ (آیه ۳) _____

۳- ابراهیم مطیع دستورات خدا در مورد تمام کسانی که تحت پیمان خدا و ابراهیم زندگی می‌کردند بود. دستور خدا در پیدایش ۱۷: ۱۲ چه بود؟ _____

ختنه برای مردانی که در خانواده ابراهیم زندگی می‌کردند، انتخابی نبود. از این رو وقتی که اسحاق هست روزه شد، او _____ شد (آیه ۴).

۴- خدا می‌خواست مطمئن شود که هرکس که این داستان را می‌خواند بداند که ابراهیم مرد کهنسالی بود. طبق گفته سارا در پیدایش ۱۸: ۱۲ او (سارا) _____ بود و ابراهیم _____ بود. به عبارت دیگر از دیدگاه انسانی وعده خدا غیر ممکن بود. در پیدایش ۲۱: ۵ گفته می‌شود که ابراهیم _____ ساله بود که اسحاق به دنیا آمد و سارا _____ ساله بود!

۵- اسحاق یعنی _____ . چه معنی برای اسحاق در نت پایین صفحه کتاب مقدس وجود دارد؟
خنده‌ای که در مدت این سال‌ها پس از دریافت وعده به وجود آمده در نظر آورید:

الف. پیدایش ۱۷: ۱۷ - چه کسی خندید؟ _____ آن مرد چه گفت؟ _____

ب. پیدایش ۱۸: ۱۲ - چه کسی خندید؟ _____ آن زن چه گفت؟ _____

پ. پیدایش ۲۱: ۶ - چه کسی خندید؟ _____ آن زن چه گفت؟ _____

۶- جالب است که به دو مورد توجه کنید:

الف. دو نوع خنده کدامند؟ در پیدایش ۱۷ و ۱۸ می‌گوید که خنده از ناباوری بود. احساس می‌شود که از ناچاری و ناامیدی بود.

ب. در پیدایش ۲۱: ۶ مشخصاً خنده آنها بدون تردید از روی جشن و شکرگزاری است. وعده‌ای که داده شده بود سرانجام تحقق یافت.

۷- به چه چیزی فکر می‌کردند که باعث شد از روی ناباوری بخندند؟ _____

۸- هنگامی که وعده را دریافت کردند، تمرکزشان بر چه مسئله‌ای قرار گرفت؟ _____

۹- در ابتدا فقط به خودشان نگاه کردند. چنانکه امروزه می‌گوییم «ساعت زمان آنها به پایان رسیده بود. بدن‌هایشان پیر و فرسوده بود. وقتی که در جشن و شادی خندیدند، نگاه‌شان به خدا و آنچه که خدا علی‌رغم شرایط ناامیدکننده آنها برای‌شان انجام داده بود، افتاد. پیدایش ۱۸: ۱۴ را به خاطر آورید.

کاربرد شخصی: گرایش ذهن انسان این است که اول به درون خود نگاه کند و توانایی و قدرت خود را بسنجد. ما شروع می‌کنیم که امور را در اختیار گرفته، مسائل را به دست خود بر طرف نماییم و اغلب کمک و راهنمایی که خدا در اختیارمان می‌گذارد نمی‌بینیم. تا اینکه به این واقعیت می‌رسیم که کوشش ما بی‌حاصل است. گاهی اوقات کمک خدا از طریق دیگران به ما رسد. چه زمانی امر غیرممکنی را تجربه کردید، چیزی که شما را فراتر از توانایی‌تان به کوشش و ستیز وادار کرد؟ آیا از دیدگاه شما در زمینه ضعف و ناتوانی شما بود؟ عکس‌العمل شما در مورد این واقعیت چگونه بود؟ خندیدید؟ آیا با خود گفتید: «چه کسی، من؟ حتما شوخی می‌کنی. من نمی‌توانم این کار را انجام دهم.» اغلب این نکته‌ها به وجود می‌آید. زیرا ما فقط به خودمان نگاه می‌کنیم. اغلب دیگران چنین توانایی را در شما مشاهده کرده‌اند که هنوز باید به آن پی ببرید. چند تا از این موارد را یادداشت کنید که ممکن است از شما خواسته‌اند انجام دهید ولی شما در ناباوری خندیده‌اید، اما پس از آن در پایان با موفقیت و پیروزی خندیده‌اید. چندتا از دیدگاه‌های‌تان را بنویسید: _____

بخش ۲

تعلیم: پیدایش ۲۲ درباره یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین داستان‌هایی است که تاکنون نقل شده است. باور نکردنی است. چرا خدا چنین کاری را انجام دهد؟ چه نیازی به آزمایش ابراهیم دارد؟ انتظار طولانی برای داشتن فرزند برای این زن و شوهر کافی نبود؟ خداوند، اگر در مورد مخلوق خود آنقدر مهربان و رحیم هستی، چرا آنها را آزمایش می‌کنی؟ بیایید نگاهی به داستان بیافکنیم. خواندن دوباره پیدایش ۲۲: ۱۹-۱ به ما کمک می‌کند.

تمرین: زمانی پس از آن، خدا تصمیم گرفت ابراهیم را آزمایش کند.

۱- در آیه ۲ خدا چه دستوری به ابراهیم داد؟

۲- هیچ اشتباهی رخ نداد که خدا با چه کسی صحبت می‌کرد وقتی که گفت: «_____ خود را بردار، تنها _____ خود را _____ را بسیار دوست داری.»

۳- آنها بایستی به ناحیه موری می‌رفتند. کوهستان موری، همان کوهی است که اورشلیم بر آن بنا می‌شد (دوم قرن ۳: ۱) کوهستان موری در دوره‌های بعد کوه صهیون خوانده شد.

تعلیم: درخواست اینکه ابراهیم فرزند خود را به عنوان هدیه سوختنی تقدیم کند غیر عادی نبود. مردمی که در آن سرزمین سکونت داشتند قربانی‌های سوختنی به خدایان خود تقدیم می‌کردند. چنین قربانی‌هایی دارای اهمیت و احترام بود و مردم عقیده داشتند که خدایان آن را طلب می‌کنند. مسئله غیر عادی این بود که خدای ابراهیم قربانی انسانی درخواست می‌کند. به یاد آورید که آدم و حوا به خاطر گناه نافرمانی خود کشته نشدند. قائل که برادرش را کشت، توسط خدا کشته نشد. نوح، ابراهیم، هاجر و سارا نیز به خاطر گناهان‌شان نابود شدند. خدای ابراهیم به او گفته بود که او پدر امت‌ها خواهد شد. این خدا با ابراهیم پیمان بسته بود که خدای او باشد و ابراهیم و نسل او قوم او خواهند بود.

پرسش‌های فکری:

۱- می‌توانید تصور کنید که چه احساسی در قلب ابراهیم موج می‌زند در حالیکه آماده رفتن است؟ (آیه ۳) روز بعد، صبح زود، زین و افسار را آماده کرد، چند چوب برید و به هم بست و با اسحاق و دو تن از خدمتکارانش رفتند. می‌توانید تصور کنید که چگونه با سارا خداحافظی کرد؟ آیا به او گفته بود که خدا از او چه درخواستی کرده است؟ آیا سارا می‌دانست که دیگر هرگز فرزندش را نخواهد دید؟ بسیاری از چیزها را در حقیقت نمی‌دانیم بلکه فقط می‌توانیم تصور کنیم. چه افکاری ممکن است در تخیلات شما باشد؟

۲- سفر سه روز به طول انجامید و در آن زمان ابراهیم پی برد که زمان قربانی کردن اسحاق نزدیک است (آیه ۴). در آیه ۵ ابراهیم و اسحاق از دو نفر خدمتکارشان جدا می‌شوند و به آنها توضیح می‌دهد که به بالای کوه برای پرستش خدا می‌روند و بعد از آن بر می‌گردند. ساختن مذبح برای ابراهیم کار غیر عادی نبود. به طور یقین نمی‌دانیم اما فقط تصور می‌کنیم که اسحاق تجربه‌ای از پرستش خدا داشت و سر بریدن و قربانی کردن حیوانات را دیده بود.

۳- آیه ۶ می‌گوید ابراهیم چوب‌ها را روی شانه اسحاق نهاد که به بالا حمل کند و خود آتش (احتمالا سطلی از ذغال داغ) و یک کارد را به بالا برد. در نظر بیاورید که چه گفتگویی در راه به محل قربانی در گرفت. اسحاق به سرعت دریافت که چیزی کم دارند. چوب را داشتند و آتش نیز با آنها بود اما بره‌ای برای قربانی و هدیه سوختنی وجود نداشت.

۴- تصور کنید که دو خدمتکاری که در پایین منتظر ماندند. احتمالا در فاصله‌ای نبودند که بتوانند گفتگوی پدر و فرزند را بشنوند. از این رو فقط می‌دیدند که پدر و پسر با هم به سوی پرستشگاه قدم می‌زدند.

به حافظه سپردن: سخنانی که ابراهیم با فرزندش دارد، کلماتی است که باید در کتابخانه حافظه خود بسپارید. در آیه ۸ چه می‌گوید؟ کلمات را بنویسید: «خداوند _____ خواهد کرد.»

یک بار دیگر شما را تشویق می‌کنم این کلمات را روی کارت‌های خود یادداشت نمایید. علاوه بر آیه، افکار و حتی دعایی از دل خود روی کارت بنویسید. سپس در روزهای بعد این آیه را یاد بگیرید، طوریکه هرگز از شما دور نشود.

بخش ۳

تمرین:

۱- آیات ۹ و ۱۰ به نظر می‌رسد که بر مبنای واقعیت نوشته شده‌اند. ابراهیم چه کرد؟

الف. ساخت _____

ب. مهیا کرد _____

پ. به هم بست _____

ت. گذاشت _____

ث. دست برد _____

ج. برداشت _____

۲- ناگزیر این سوال پیش می‌آید: اسحاق چه کرد؟ وقتی که فهمید که اوست که باید قربانی شود چه کار کرد؟ فکر می‌کنید درباره پدرش و ایمان پدرش به خدا چه چیزی یاد گرفت؟ _____

۳- آیا چیزی دشوارتر از این لحظه برای یک پدر وجود دارد؟ و این لحظه ایست که خداوند مداخله کرد. آیه ۱۱ با کلمه کوچک و پر معنی "اما" شروع می‌شود. فرشته خداوند ابراهیم را می‌خواند. در آیه ۱۲ فرشته به ابراهیم چه می‌گوید؟ _____

۴- چرا آزمایش؟ (آیه ۱۲) _____

خدا می‌دانست؛ ابراهیم می‌دانست؛ اسحاق می‌دانست.

تعلیم: می‌دانیم که ابراهیم خداترس بود (پیدایش ۲۲: ۱۲).

- **معنی لغت:** ترس معانی گوناگونی دارد. به کار بردن ترس در این قسمت، به معنی وحشت و هراس نیست بلکه محبت، احترام نمودن و احترام، افتخار و احساس متعالی داشتن است. ابراهیم بیش از محبتی که برای پسرش داشت خداترس بود و به خدا احترام می‌گذاشت.

عمیق تر بکاویم: در انتهای آیه ۱۲ پس از کلمهٔ پسر، علامت یک مرجع وجود دارد. به حرف توجه کرده و آیهٔ مرجع را و حرف که در مرجع متقابل در وسط آن صفحه وجود دارد را در نظر بگیرید. یکی از مراجع آیه ۲ از پیدایش ۲۲ می‌باشد که خداوند به طور روشن بیان می‌کند که تنها پسر یگانهٔ ابراهیم باید قربانی شود. مرجع دیگر در یوحنا ۳: ۱۶ ذکر شده است. این آیه را بنویسید: _____

۱. در این قسمت پدر کیست؟ _____

۲. چه کسی تنها پسر یگانه است؟ _____

از این مراجع می‌آموزیم که داستان نقل شده در پیدایش ۲۲، بخش پیش رونده از حوادثی است که سال‌های بعد رخ داد. و نیز از کوهستان موریبا. کوه صهیون، وقتی که خدا از روی محبت عظیم خود برای همهٔ ما یگانه فرزندش عیسی را به عنوان قربانی نهایی برای گناهان تمام دنیا تعیین نمود.

جهت قربانی گناه، پدر آسمانی از قربانی کردن پسرش روی مذبح صلیب خودداری نکرد. برای نجات بشریت از مرگ حتمی، نتوانست از قربانی دادن صرف نظر کند. هیچ بره‌ای در جنگل یافت نمی‌شد. قربانی دیگری نیز وجود نداشت. فقط مرگ پسر کامل و بی‌گناهِش بایستی صورت گیرد. از این رو او مطابق دستور عمل کرد و به خاطر خون عیسی، تمام گناهان بشر پاک شده است. تمام بشریت می‌تواند بخشش از گناهان را از طریق قربانی عیسی اعلام نماید.

برای دانشجویان مشتاق یک مرجع متقابل دیگر وجود دارد. به غیر از یوحنا ۳: ۱۶، اول یوحنا ۴: ۹ را در نظر آورید. باز مشاهده می‌کنیم که عهد قدیم و عهد جدید هر دو با این آیات مرجع به یکدیگر مربوط می‌شوند. چه دیدگاهی این آیات به آگاهی و آموزش شما در مورد قربانی که خدا برای گناه جهان مقرر نمود، می‌افزاید؟

به حافظه سپردن: پیدایش ۲۲: ۱۲ که با کلمات «حالا من می‌دانم...» آغاز می‌شود و یوحنا ۳: ۱۶ و همچنین اول یوحنا ۴: ۹ آیات دیگری هستند که شما را تشویق می‌کنم آن را به خاطر بسپارید. آنها را روی کارت‌های یادداشت خود بنویسید و به همراه داشته باشید تا به صورت گنجینهٔ شخصی شما از کلام خدا در آید. همچنین به آیاتی که در اطراف این آیات مرجع هستند به ویژه در آیات عهد جدید نگاهی بیافکنید. این آیات هوشیاری و حکمت بیشتری در این دروس به شما می‌دهند. از گنجینه‌ای که یافته‌اید لذت ببرید. جستجوی گنج کلام خدا، و فراموش نکنید که کتابخانهٔ این غنایم را با سخاوتمندی با دیگران شریک شوید.

بخش ۴

تمرین: شوق و اشتیاق عاطفی پدر و پسر بی‌نهایت بود. پسری را که بایستی قربانی می‌کرد، از مرگ نجات یافت!

۱- در آیه ۱۳، به جای ریختن خون اسحاق چه چیزی قربانی سوختنی برای خداوند می‌شد؟ _____

باز یادآور می‌شویم که تنها ریختن خون برای خداوند قابل قبول بود.

۲- ابراهیم این مکان را بهوه یا پیرا خواند که _____ معنی می‌دهد. زمانی که یوحنا ۳: ۱۶ را در نظر می‌آوریم بار دیگر می‌دانیم که خدا پسرش را به عنوان نجات‌دهنده در اختیار گذاشت.

۳- آیات ۱۵-۱۸ با هم شباهت پیدا می‌کنند. با کلمات خودتان بنویسید که خدا به ابراهیم چه گفت؟ _____

۴- در آیه ۱۹ گفته می‌شود که ابراهیم و اسحاق در _____ زندگی کردند.

درباره خدا چه می‌آموزیم: احتمالاً کلمه‌ای که محبت عظیم خدا را برای نوع بشر دوباره به ما یادآور می‌شود، کلمه مهربان و بخشنده است. خداوند نسبت به سارا بخشنده بود و وعده خویش را به او نگاه داشت. ما خدا را به عنوان خدایی بخشنده در سرتاسر این درس مشاهده می‌کنیم. بخشنده ما را به یاد لطف خداوند می‌اندازد که بر ما قرار گرفت. چیزی از طریق شایستگی و یا کار و کوشش حاصل نشده و هیچ ارزشی در ما وجود ندارد، بلکه فقط فیض اوست که به ما تعلق گرفته است. خدا بخشنده است و وعده‌های خود را نگاه می‌دارد. او رحیم و بخشنده است و ما را از شرایط گناه‌آلودمان با دادن تنها پسر یگانه خود نجات می‌دهد. او رحیم است و تمام نیازمندی‌های جسم و روح ما را فراهم می‌کند.

کاربرد شخصی:

۱- هرچه بیشتر درباره خدا می‌آموزیم، در می‌یابیم که چقدر ناتوانیم. با مشاهده ابراهیم در این درس می‌توانیم کاربرد این درس را درک نماییم. پاسخ بلادرنگ ابراهیم نسبت به فیض خداوند این بود که او را پرستش کرد. او خدا را پرستش کرد در حالیکه به اتفاق اسحاق بره را قربانی کردند. قربانی کردن و پرستش چگونه باید باشد؟ مزمور ۵۱: ۱۷ می‌گوید که چه قربانی‌هایی را خداوند می‌پذیرد. این آیه را بنویسید: «قربانی‌های خدا _____»

_____ هستند. شما ناامید نخواهید شد.»

۲- هنگامی که به حضور خداوند با روحی شکسته، قلبی شکسته و توبه‌کار می‌روید که به گناه تقصیر و شرم خود اعتراف کنید، قربانی قلب شما چیست؟ وقت صرف کنید و با صداقت و آشکارا در این باره با خداوند گفتگو کنید.

۳- خداوند از سخنان و شکرگزاری ما خشنود می‌شود. مزمور ۵۱: ۱۵ را بخوانید. «... و دهان من ستایش تو را اعلام می‌کند.» بنابراین چگونه ما خدا را ستایش می‌کنیم؟ ستایش چه معنی دارد؟ اگر باید او را ستایش کنیم، چه می‌گوییم؟ ما با شکرگزاری خودمان او را پرستش می‌کنیم.

او را برای آنچه که او هست شکر می‌کنیم. بعضی از قسمت‌های «درباره خدا چه می‌آموزیم» از درس‌های گذشته را دوره کنید. او را سپاس گوئید برای آنچه که انجام داده است. او را سپاس گوئید برای آنچه که فراهم کرده است. همه ما از شنیدن کلمات تشکرآمیز برای آنچه که انجام داده‌ایم لذت می‌بریم. هنگامی که مردم درباره شخصیت ما و اعمال ما به نیکویی یاد می‌کنند، سپاسگزاریم که آن را تشخیص داده‌اند. با کلمات شکرگزاری خود او را خشنود کنید.

دعا: بگذارید که اکنون زمانی باشد که شما از تقدیم قربانی و سپاسگزاری و ستایش خود لذت می‌برید. _____

بخش ۵

مقدمه: داستان ابراهیم را به پایان می‌رسانیم. در پیدایش ۲۳ گفته می‌شود که سارا تا _____ سالگی زندگی کرد و در _____ درگذشت. در این فصل همچنین از چگونگی به دست آوردن زمینی برای خاکسپاری سارا صحبت می‌شود. اما حالا به پیدایش ۲۵ بپردازیم.

تکلیف: پیدایش ۲۵: ۱۱-۷ را بخوانید.

تمرین:

- ۱- در آیه ۷، ابراهیم چند سال زندگی کرد؟ _____
- ۲- آیه ۸ در مورد زمان مرگ ابراهیم چه می‌گوید؟ _____
- ۳- چه کسی او را به خاک سپرد؟ (آیه ۹) _____
- ۴- کجا به خاک سپرده شد؟ (آیات ۹ و ۱۰) _____
- ۵- ابراهیم با چه کسی به خاک سپرده شد؟ _____
- ۶- خداوند اسحاق را پس از فوت پدرش برکت داد. اسحاق کجا زندگی کرد؟ _____

توجه: نظرگاه دیگر این درس این است که به نحوی ترتیب یافته که مراجع متقابل را به کار ببرید. اگر در کتاب مقدس شما هیچ اشاره‌ای به مراجع متقابل نمی‌کند، در آن صورت از مراجعی که در درس داده شده استفاده کنید.

۷- به مرجعی که پس روی آمده است توجه نمایید. آیه و مرجعی که در ستون به آن اشاره شده است پیدا کنید. پیدایش ۱۶: ۱۴-۷ را بخوانید. اسحاق پسر ابراهیم انتخاب نمود که نزدیک بئر لحای روی زندگی کند. تجربه متفاوتی که هاجر مادر اسماعیل پسر دیگر ابراهیم در این مکان داشت به خاطر آورید. این تجربه قبل از تولد اسماعیل، وقتی که هاجر از خانه سارا فرار کرد پیش آمد.

پرسش‌های فکری: مرگ چیزی نیست که ما اغلب به آن بیاندیشیم، به خصوص در زمان جوانی. اما شاید این زمان مناسبی باشد که به مراحل پیر شدن خود فکر کنید و اینکه بالاخره روزی شما هم مانند ابراهیم و سارا به کهولت رسیده و می‌میرید.

۱- آیا در نظر گرفته‌اید که می‌خواهید در چه مکانی شما را به خاک بسپارند؟

۲- با چه کسی مایلید به خاک سپرده شوید؟

۳- اموال شما به دست چه کسی می‌رسد؟

۴- آیا به بازماندگان خود هدیه‌ای می‌دهید؟

۵- دوست دارید پس از مرگتان دیگران درباره شما چه بگویند؟

۶- چه یادگاری برای فرزندان و نسل بعد از خود به جای می‌گذارید؟

۷- در حال حاضر برای انجام این امور چه اقدامی می‌کنید؟

دعا: خداوندا، تو به ابراهیم و سارا عمری طولانی عطا کردی. وعدهات را با وفاداری برای آنها نگاه داشتی و سرزمین و پسری به آنها بخشیدی. تو آنها را پدر و مادر قومی قرار دادی و آنها فقط فرزند وعده خود اسحاق را دیدند. همانطور که به آنها وفادار بودی، با من وفادار بوده‌ای. از محبت عظیمت برای خود و آنها که دوست دارم سپاسگزارم. چنانچه می‌دانم که زندگی من نیز پایان می‌یابد، دعا می‌کنم که _____

تعلیم: شخصیت‌هایی از قبیل هابیل و نوح در کتاب «نقشه خدا، انتخاب ما» ذکر شده‌اند. در این کتاب به ایمان در عبرانیان فصل ۱۱ رجوع شد. در پایان داستان ابراهیم بار دیگر به عبرانیان بر می‌گردیم. در این فصل چهار مورد درباره ابراهیم ذکر شده که همه با کلمات «توسط ایمان...» آغاز می‌شود. عبرانیان ۱۱: ۸-۱۹ را مطالعه کنید و با مداد رنگی این مراجع را مشخص کنید. تمام این قسمت در عبرانیان ۱۱ به نظرتان آشنا می‌آید زیرا در درس ابراهیم و سارا در پیدایش ۱۲-۲۵ آن را خوانده‌اید.

تمرین:

۱- در عبرانیان ۱۱: ۸ دو مرجع متقابل ذکر شده است که به وسیله این دو مرجع به سرعت می‌توانید پی ببرید که در چه مکانی داستان ابراهیم نقل شده است.

الف. داستان درباره چیست؟ _____

ب. چه مرجع متقابلی داده شده است؟ _____

پ. چه فصلی در پیدایش است که ابراهیم فراخوانده شد، وعده‌ای دریافت کرد، و از روی اطاعت شهر خود را ترک نمود در صورتی که نمی‌دانست کجا می‌رود؟ پیدایش _____ است.

توجه: آنهایی که مراجع متقابل در کتاب ندارند، از مرجع متقابل پیدایش ۱۲: ۴-۱ و ۷ استفاده کنید.

۲- در عبرانیان ۱۱: ۹ گفته می‌شود که «توسط ایمان» ابراهیم خانه خود را در سرزمین وعده بنا کرد. او همچون بیگانه‌ای در این سرزمین به سر برد و چادر نشین بود.

الف. چه مرجعی بعد از کلمه «چادرها» داده شده است؟

ب. در چه فصلی از پیدایش این مراجع یافت می‌شود؟ پیدایش _____ و _____ .

توجه: اگر مرجعی در کتاب مقدس شما وجود ندارد، از پیدایش ۱۲: ۸ و ۱۸: ۱، ۹ / استفاده کنید.

۳- در عبرانیان ۱۱: ۱۱ چندین مرجع ذکر شده است.

الف. داستان چیست؟

ب. مرجع متقابلی که بعد از کلمه «پدر» می‌آید چیست؟

پ. در کدام فصل از پیدایش، وعده خداوند به ابراهیم انجام می‌گیرد؟ پیدایش _____

توجه: اگر کتاب مقدس شما مرجع متقابل ندارد، پیدایش ۲۱: ۲ را پیدا کنید.

۴- در عبرانیان ۱۱: ۱۲ ...

الف. کدام مرجع متقابلی پس از کلمه «ساحل دریا» می‌آید؟

ب. کدام فصل پیدایش می‌گوید که خدا عهد خود را با ابراهیم تجدید کرد؟ پیدایش _____

پ. وعده عهد چیست؟

توجه: اگر کتاب مقدس شما مرجع متقابل ندارد پیدایش ۲۲: ۱۷ را پیدا کنید.

۵- در عبرانیان ۱۱: ۱۹-۱۷ داستان دیگری آمده است که آشنا خواهد بود.

الف. داستان چیست؟

ب. کدام مرجع متقابل است که مشخص می‌کند این داستان در کجا یافت می‌شود؟

مرجع متقابل احتمالاً مرجعی است پس از کلمه «قربانی».

پ. کدام فصل در پیدایش درباره ایناست که خدا ابراهیم را آزمایش کرد و او مطیعانه برای قربانی

اسحاق رفت؟ پیدایش _____

توجه: اگر مرجع متقابل در کتاب مقدس خود ندارید، به پیدایش ۲۲: ۱۰-۱ مراجعه کنید.

فصل‌های متعددی در پیدایش درباره ابراهیم می‌گویند. چندین آیه در عبرانیان ۱۱ این داستان‌ها را به یاد ما می‌آورند و ما را تشویق می‌نمایند که در داستان‌هایی که در زندگی ما به وجود می‌آیند از روی ایمان عمل کنیم. داستان ابراهیم، فیض

خداوند را به ما نشان داد، محبت بدون قید و شرط خداوند برای آنهایی که در رابطه با او زندگی می‌کنند. در عین حال، داستان زندگی ابراهیم همچنین به ما یادآوری می‌نماید که خدا عادل است. او با کسانی که به او ایمان داشته باشند با رحم و شفقت عمل می‌کند. عدالت او عقوبت گناه را ایجاب می‌کند. اما باز هم هنگامی که روح‌القدس برای ما شفاعت می‌کند، به روح‌القدس گوش فرا دهید.

خداوند وعده داده است که خدای ما باشد که این واقعا برکت است!

بررسی این دوره

وعدۀ خداوند، برکت یافتن ما

بررسی

این تمرین ویژه به این منظور طرح شده که دانش و رشد شما را از درک شخصیت‌هایی مانند ابراهیم و سارا در عهد عتیق تایید نماید. بیاید با وقتی بیشتر، قدم‌هایی را که پیمودیم بررسی کنیم:

۱- هریک از سرگذشت‌ها را خواندیم و حقایق مربوط به هر واقعه را دریافتیم. چهار داستانی که در درس‌های ۳ تا ۶ بودند کدامند؟

الف. درس ۳ _____

ب. درس ۴ _____

پ. درس ۵ _____

ت. درس ۶ _____

۲- چیزهای متفاوتی درباره خدا و بشریت آموختیم. حقایق مختلفی که ما تحت هر قسمت از هر بخش تحت عنوان «درباره خدا چه آموختیم» کدامند؟

الف. درس ۳ _____

ب. درس ۴ _____

پ. درس ۵ _____

ت. درس ۶ _____

۳- به جستجوی راه‌هایی پرداختیم که درس هر داستان که در گذشته‌ای دور اتفاق افتاده بود، بتواند امروز در زندگی شخصی ما به کار آید. چه نوع کارایی در هر بخش آموختیم؟

الف. درس ۳ _____

ب. درس ۴ _____

پ. درس ۵ _____

ت. درس ۶ _____

۴- در پایان به عبرانیان ۱۱ نگاهی افکندیم. در این فصل چندین سرگذشت وجود داشت که ایمان ابراهیم را آشکار ساخت. آموختیم که با استفاده از مرجع متقابل به سرعت می‌توانیم داستانی را از عهد عتیق با استفاده از مرجع در عهد جدید پیدا کنیم. حرکت مقابل را از عهد جدید به عهد قدیم را تجربه کردیم. اگر در حال مطالعه

دقیقی از عبرانیان ۱۱ بودید و لازم بود یکی از این داستان‌ها را بررسی کنید، اما نمی‌دانستید که در کجای کتاب مقدس نوشته شده است، در این مورد مرجع متقابل بسیار مفید است.

وعدۀ خدا، برکت ما با این نکات خاتمه می‌یابد: شما را تشویق می‌کنیم با کوشش به مطالعه خود ادامه دهید. تاکنون چیزهای بسیاری آموخته‌اید. و راحت‌تر در کتاب مقدس پیش می‌روید. در حالیکه مطالعات خود را ادامه می‌دهید، تا حدی در خود اطمینان یافته‌اید که کلام خدا به شما چه می‌گوید.

دعا: خداوند، تو را شکر می‌کنم که کلامت درباره مردان ایمان از قبیل ابراهیم به من می‌آموزد. هرچند که او همه آنچه را که وعده دادی تجربه نکرد، تو او را قادر ساختی که با ایمان به آینده بنگرد. آنچه وعده دادی مشاهده کرد. به من چنین ایمانی عطا کن، ایمانی که باور کنم با من رحیم و مهربان هستی، ایمانی که باور کنم عیسی امید من است. خدایا چشمانی از ایمان عطا کن که بدانم وعدۀ حیات ابدی را با تو در بهشت دارم.
